

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

\_\_\_\_\_

# طراحی مقدماتی برای ایرانشناسی نظام یافته

حسن حبیبی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران ۱۳۸۹

ضمیمه شماره ۴۱  
نامه فرهنگستان

طراحی مقدماتی برای ایرانشناسی نظام یافته  
حسن حبیبی

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
طراح: حسین میرزاحسینی  
چاپ: حریر  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
بها: ۱۲۰۰۰ ریال  
برای مشترکان: رایگان

---

نشانی ناشر: تهران، بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

کد پستی: ۱۵۳۸۶۳۳۲۱۱ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰

پیام‌نگار: [furnameh@persianacademy.ir](mailto:furnameh@persianacademy.ir)

وب‌گاد: [www.persianacademy.ir](http://www.persianacademy.ir)

## فهرست

۸	۱ مقدمه
۸	۱-۱ پراکندگی علوم انسانی
۱۲	۱-۲ پراکنده کاری در زمینه ایران شناسی
۱۵	۱-۳ کم اطلاعی پژوهشگران
۱۹	۲ برنامه مطالعات
۱۹	۲-۱ مقدمه
۱۹	۲-۱-۱ ایران جغرافیائی
۲۰	۲-۱-۲ قلمرو ایران شناسی
۲۳	۲-۲ گروه ها و طبقه بندی آنها
۲۳	۲-۲-۱ گروه و تعریف آن
۲۶	۲-۲-۲ طبقه بندی گروه ها
۴۱	۳ ایران شناسی عمومی و ایران شناسی های اختصاصی
۴۲	۳-۱ ایران شناسی عمومی
۴۶	۳-۲ ایران شناسی اقتصادی

۴۷	۳-۳ ایران‌شناسی باستان‌شناختی
۴۸	۳-۴ ایران‌شناسی تاریخی بر اساس روایات ملی و اسطوره‌ها
۵۰	۳-۵ ایران‌شناسی تاریخی
۵۰	۳-۶ ایران‌شناسی جغرافیائی و جغرافیای محلی
۵۲	۳-۷ ایران‌شناسی در حوزه‌ها و مکتب‌های گوناگون غربی و شرقی
۵۲	۳-۸ ایران‌شناسی روستایی
۵۴	۳-۹ ایران‌شناسی سیاسی
۵۴	۳-۱۰ ایران‌شناسی شهری
۵۶	۳-۱۱ ایران‌شناسی صنعتی
۵۷	۳-۱۲ ایران‌شناسی در زمینه فرهنگ مردم و آداب و رسوم
۵۷	۳-۱۳ ایران‌شناسی در زمینه مطالعات گویش‌شناختی
۵۹	۳-۱۴ ایران‌شناسی در زمینه‌های دیگر

## طراحی مقدماتی برای ایران‌شناسی نظام‌یافته

حسن حبیبی \*

اگر درست بگویم و اشتباه نکنم، ما نه در خارج ایران، با سابقهٔ چند صد ساله، و نه در ایران، با سابقه‌ای بیش از نیم قرن، برای ایران‌شناسی طرحی نظام‌یافته نداشته‌ایم. شاید درست‌تر این بود که عنوان این گفتار «طرحی برای ایران‌شناسی نظام‌یافته» اختیار می‌شد، اما احتیاط اقتضا می‌کرد و می‌کند که احتمال داده شود طرحی یا طرح‌هایی در این باب وجود داشته باشد و اختیار مطلق طرح برای عنوان پرمدعائی باشد. ناگزیر باید طرح را مقدماتی خواند تا حتی طرح‌های احتمالی دیگر ضایع نشود. در آنچه ذیل «مقدمه» و «برنامهٔ مطالعات» خواهد آمد، سابقهٔ ایران‌شناسی مرور شده است که تنها جنبهٔ یادآوری دارد و مطالب قطعی نیست. راقم این سطور علاقه‌مند است که ایران به طور کامل یا به نسبت کامل شناخته شود و می‌داند که این به آسانی شدنی نیست. اگر ایران، مانند برخی کشورها، تنها ده یا بیست یا حداکثر دویست سال سابقهٔ تاریخی داشت، بازشناسی آن طی ده‌ها سال با امکانات فراوان احتمالاً شدنی بود. اما اگر بخواهیم چندین و چند هزار سال تاریخ ایران را بشناسیم باید راهی پریپیچ و خم را در تاریکی‌ها و روشنایی‌ها پیماییم و این در مدتی محدود، بانسلی که تا بیاید راه و رسم کارها را یاد بگیرد و اطلاعات فراوان را دسته‌بندی کند عمرش به سر می‌آید، شدنی نیست. اما باید پای در راه نهاد که خود راه بگوید که چون باید رفت.

---

\* عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد ایران‌شناسی.

## ۱ مقدمه

### ۱-۱ پراکندگي علوم انساني

پراکندگي علوم انساني در ايران از مشکلات اين علوم است. نه آنکه علوم انساني اصولاً در ديگر مراکز علمي پراکنده نباشد، اما اين پراکندگي در ايران بيشتري و آشکارتر است. دانشمندان علوم انساني، در همه جا و بيشتري از همه در ايران، جستجوگران منزوي و منفردند؛ آنچه مي خوانند و سپس مي نويسند در آزمائشگاه و با حضور همکاران و دانشجويان نيست بلکه در تاريخي شب يا سحرگاه در گوشه اتاق يا کتابخانه است. حتي کتابخانه خارج از خانه هم گنجي دنج براي تحقيقات و تتبع است. حاصل مطالعات کمتر موضوع بحث و گفت و گو قرار مي گيرد. بحث و گفت و گو از يافته ها و نقد دريافت ها کمتر مرسوم و رايج است که خود علتی است مزيد بر علت های ديگر. جز در موارد معدود، يافته ها را، حتي اگر چاپ و منتشر شوند، اهل نظر و نقد کمتر مي خوانند و، اگر هم بخوانند، کمتر بدان به عنوان موضوعی درخور نقد و نظر مي پردازند. همچنين در ايران مجلات علمي اندک اند و شمار خوانندگان آنها کم است. مقالات علمي-ادبي هم معمولاً به زبان فارسي است که بايد چنين باشد؛ اما وقتي مقاله به زبان فارسي باشد، در نشریات بين المللی فهرست نمي شود. وزارت علوم و تحقيقات و فناوري، براي آنکه به مقالات علوم انساني امتياز دانشگاهي بدهد، بايد مجله ای را که مقالاتی از اين دست در آن چاپ مي شوند علمي - پژوهشي شناخته باشد. اينجاست که مشکل ناگفته ديگري رخ مي نمايد: مقالات کم ارزش زيادي براي مجله فرستاده مي شود و، در پي آن، سفارش هاي اعضاي هيئت تحريريه و مديران مجله را احاطه مي کنند؛ مقاله هاي کم ارزش، گاه به هر دليلی، از صافي ارزيابي مي گذرند و چاپ مي شوند و وزن علمي مجله را پايين مي آورند و نويسندگان



صاحب‌نام را در چاپ مقالاتشان در این سنخ مجله‌ها به تردید می‌افکنند و، به هر حال، بازار نقد و بحث را کساد می‌کنند.

هنگامی که مقالات و نوشته‌های علمی محک نخورند، سابقه و لاحقۀ آنها معلوم نشود، راه برای یافتن مطلب تازه یا بهتر کردن و یا پی گرفتن آنچه پیش‌تر نوشته شده و نه تکرار آن سد می‌گردد و پیشرفتی حاصل نمی‌شود. نمی‌گوییم علت پیشرفت نکردن علوم انسانی تنها همین است؛ اما می‌توان گفت، وقتی عقل‌ها را عقل‌ها یاری ندهد و مباحث جدید در نتیجه کندوکاو در مباحث قدیم مطرح نشوند، در علوم انسانی یا حداقل در بخشی از آن که پیش‌زمینه یا سابقه در خارج نداشته باشد - بر اثر طرح نشدن مسائل تازه یا انتشار نیافتن مطالب تازه و یا بی‌خبری نویسندگان این قبیل نوشته‌ها از کار یکدیگر و اینکه چه‌بسا برای همدیگر اعتبار علمی قایل نباشند یا، بنا بر عادت جاری، به خواندن مطالب همدیگر علاقه نشان ندهند - پیشرفت مورد انتظار رخ نمی‌دهد.

سرعت ظهور یافته‌های جدید در علوم گوناگون با دوره‌های گذشته قابل قیاس نیست به‌ویژه تعدد انتشارات و، از آن مهم‌تر، دخالت اینترنت در اشاعۀ اطلاعات انفجار اطلاعات را پدید آورده که لحظه به لحظه اهمیت و گستردگی آن بیشتر شده است. پیش از آنکه مقاله‌ای برای نشر در مجله‌ای تخصصی برنامه‌ریزی و چند ماه یا یکی دو سال بعد منتشر شود، رئوس مطالب یا، به احتمال قوی، متن اینترنتی آن در دسترس قرار می‌گیرد. از این راه است که جهان علم با یافته‌های گوناگون مربوط به موضوعی معین و نقدهای آن آشنا می‌گردد. بهره‌گیری از این فناوری در ایران در آن بخش که مربوط به علوم و فنون است بیش و کم رواج یافته و کسانی که به‌جد در بخش‌های علمی و فنی کار می‌کنند از آن تا حدودی بهره می‌جویند؛ اما

در زمینه علوم انسانی که معمولاً اطلاعات در متن‌های به نسبت مفصل ارائه می‌شود، این استفاده کمتر صورت می‌گیرد. اصولاً صاحب‌نظران علوم انسانی، به دلیل آشنائی کمتر با رایانه و استفاده از آن و عادت و علاقه به مطالعه کتابی، به بهره‌های متعددی که از رایانه می‌توان برد کمتر عنایت دارند و، در نتیجه، به اشتباهات گاه فاحش بیگانگان، که ناشی از ناآشنا بودن آنها با بخشی از حقایق و وقایع ایرانی است، واقف نمی‌شوند. علاوه بر آن، شمار اندک مجله‌های علمی مربوط به علوم انسانی و نیز نگارش مقالات به زبان فارسی بُرد اطلاعات مربوط به علوم انسانی را کمتر از حد انتظار می‌سازد و مراجعه کم به مقالات مجلات نیز موجب می‌شود که آشنایان به علوم انسانی از کسب اطلاعات جدید تا حد زیادی بی‌بهره بمانند. مشکل دیگری که آشنایان به علوم انسانی با آن روبه‌رو هستند و تا حدودی قصور یا تقصیر در این باب متوجه خود آنان است اینکه پژوهش‌های در چارچوب طرح‌های مطالعاتی یا منعکس در مقالات عمده کمتر در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرند و این خلاف سنت مربوط به مقالات علمی است. مقالات علمی، به ویژه آنها که در مجلات علمی بین‌المللی منتشر می‌شوند، موضوع مطالعه اهل علم متخصص قرار می‌گیرند. بدین سان، همواره اطلاعات جدید بر اطلاعات قبلی افزوده و انباشته می‌شوند و، ضمن پرهیز از دوباره‌کاری، علم پیشرفت می‌کند. بایگانی شدن مطالعات مربوط به علوم انسانی نقد و در نتیجه کمبودها و اشتباهات را در بوتۀ اجمال می‌گذارد و نکات تازه را از نظرها دور می‌دارد و چه بسا وقت گران‌بهای محققان را صرف دوباره‌کاری می‌کند؛ حال آنکه، اگر اطلاعات به موقع به دست پژوهشگران علاقه‌مند برسد، از طریق نقد، اشکالات مطرح و برطرف می‌شوند، از دوباره‌کاری پرهیز می‌شود، اهل تحقیق راه‌هایی را می‌یابند که می‌توانند به پیشبرد تحقیق

یاری رسانند و، در نتیجه، در علوم انسانی، ما نیز به فراورده بومی خود می‌رسیم.

با توجه به آنچه گذشت باید ترتیبی داد که حاصل تحقیقات قابل عرضه در علوم انسانی در مجلات معتبر منتشر شود و حتی به صورت کتاب درآید. بنیاد ایران‌شناسی، با توجه به نارسایی‌های یادشده، بنا را بر نشر تحقیقات انجام یافته گذاشته است که هم در دسترس بودن آنها برای نقد و تصحیح و تنقیح آنها فرصتی پدید آورد و هم کارهایی که به پیشرفت این علوم کمک می‌کند در گوشه‌ای مهجور نمانند که خاک بخورند و پوسیده شوند و تنها نامی از آنها در فهرست‌ها بیاید و حتی، در بیشتر مواقع، نتوان متن آنها را یافت و، چنانچه به تحقیقی در همان زمینه‌ها نیاز افتد، راهی جز شروع مجدد آن و هزینه و هدر دادن وقت و آن بخش از نیروی انسانی نباشد که ممکن بود در راه دیگری صرف شود.

از این رو، بنیاد ایران‌شناسی قرار گذاشته است که، در پایان هر تحقیق، کوشش کند گزارش آن را حداقل در شمار به نسبت قابل توجهی چاپ و منتشر سازد. همچنین، علاوه بر احداث ساختمان بنیاد که فضای آن برای پژوهش و آموزش امکاناتی فراهم کرده است، نخست سه گرایش ایران‌شناسی عمومی، ایران‌شناسی تاریخ، و ایران‌شناسی فرهنگ مردم و آداب و رسوم ایجاد شد، و پس از آن، در سال تحصیلی جاری (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، رشته‌های خطی، کتاب‌آرایی و مرمت تأسیس گردید و تقاضای تأسیس دوره دکتری ایران‌شناسی به وزارت علوم فرستاده شد.

تأسیس دوره دکتری ایران‌شناسی به مسئولان بنیاد اجازه خواهد داد که رساله‌های دکتری این رشته را، با توجه به مقتضیاتی که در این طرح برای موضوعات ایران‌شناسی پیشنهاد می‌شود، سامان دهند و از پرداختن

به مباحثی کلی معاف گردند که مربوط به ایران است اما در قلمرو رشته‌های خاص در علوم انسانی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، در ظرف چند سال، اگر خدا بخواهد، مکتب ایران‌شناسی تعریف شده‌ای پایه‌گذاری خواهد شد.

#### ۱-۲ پراکنده‌کاری در زمینه ایران‌شناسی

این بخش از مقدمه مربوط می‌شود به پراکنده‌کاری در زمینه ایران‌شناسی و اصولاً اندک بودن اطلاع در این زمینه در داخل و خارج کشور. به تجربه‌ای که ما و شاید بیشتر مردم جهان با آن آشنا هستند رجوع کنیم. ما، در کشور خود، فقط شهر خود و، فارغ از تعارف، تنها کوی و برزن خود را که در آن خانه و کاشانه داریم و احتمالاً دور و بر محل خود را می‌شناسیم و از مشخصات بقیه جاها و اماکن دیدنی شهر به ندرت آگاهیم. از تاریخ و تمدن و فرهنگ و آداب و رسوم و علم گذشته و حال کشورمان نیز تنها در حد تخصصی که داریم بیش و کم مطلعیم. بنابراین، نه ایران کنونی را می‌شناسیم نه با گذشته آن آشنائی بیرون از آن حدی داریم که از رادیو و تلویزیون مطالبی می‌شنویم و می‌بینیم، آن هم به شرطی که حوصله شنیدن و دیدن داشته باشیم و به هنگامی که برنامه پخش می‌شود به صحبت با یکدیگر مشغول نگردیم و گوش و چشم را به گفتار و تصویر بسپاریم. ممکن است این حال را بپسندیم و پذیرای آن باشیم و فقط به هنگام سیاحت و گردشگری دل به آنچه می‌بینیم بدهیم و به راستی نیز چنین است. تجربه دیگر، در مقابل تجربه یادشده، این است که پیرزنان و پیرمردان خانواده، پدر بزرگ و مادر بزرگ و عمه و خاله خود را که، در گذشته نزدیک یا دور، به زیارت عتبات رفته یا توفیق تشرّف به خانه خدا را پیدا کرده‌اند به یاد داریم که ساعت‌ها و روزها شرح جسر بغداد و «قونسور عرب» (مسئول کنسولخانه) و بلم و شط و چه و چه را با جزئیات گزارش می‌کردند. همچنین، اگر نخواهیم رو درمانیم، واقفیم که خودمان نیز احتمالاً

از میمون‌های مالزی و پشه‌های افریقا و متروی لندن و پاریس سخن می‌گوییم. نکته جالب آنکه پاریسی و لندن‌نی نیز، مانند ما، جز چند مکان به دلایلی مهم و مشهور شهر خود را نمی‌شناسد و یگانه منبع اطلاعاتی در دسترس او برای رسیدن به اماکن مورد نظر نقشه‌های مترو و اتوبوس است.

نمی‌گوییم چرا چنین است و چرا چنین باید باشد. شاید گرفتاری‌های روزمره به ما اجازه کنجکاوی نمی‌دهد. آیا این بطوطه و ناصر خسرو و دیگر سفرنامه‌نویسان نظیر مارکوپولو در همین حد از شهر خود اطلاع داشته‌اند و یا به مراتب بهتر و بیشتر از ما با مسقط‌الرأس خود آشنا بوده‌اند؟

در زمینه‌ای دیگر به تجربه خودمان رجوع کنیم. هنگامی که می‌خواهیم در موضوع معینی مربوط به ایران تحقیق کنیم با اندکی، اگر نگوییم بسیار، تعجب می‌بینیم اطلاعات مربوط به آن موضوع درهم و برهم، متناقض، ناقص، و ابتر است. جمع‌بندی آن اطلاعات بدون کوشش فراوان ممتنع است و پس از جمع‌بندی نیز جای بسیاری از نکته‌ها خالی است و آنچه جمع‌بندی شده مختصر و تقریباً بی‌فایده است.

این حالت در برخورد با مسائل محیط اجتماعی تقریباً در مطالعات و تحقیقات نیز پیش می‌آید. جزئی‌نگری در بسیاری از پژوهش‌ها مسائل کلی را به کنار زده و آشنائی جامع باکل را به گروه بسیار محدود و معدود و خاص سپرده است. شهرشناسی و، در دامنه‌ای وسیع‌تر، کشورشناسی و، در موضوع مورد بحث ما، ایران‌شناسی از همین قبیل یا فرداجلای آن است. از آنچه به عنوان ایران‌شناسی از دیگران هم در دست داریم بخش بزرگی – البته نه به تمامی – متضمن جزئی‌نگری و ذکر لطیفه‌ها یا عجایب و غرایب و، در برخی موارد، مسائل نادر و، در بسیاری موارد، اطلاعات ناقص از برخی موضوعات است. ریزه‌کاری‌ها و نکته‌های مهم نیز خاص برخی موضوعات

و یا نتیجه‌تتبع در منابع اطلاعاتی در مورد معین است. در اینجا نیز، ایران‌شناسی به معنی جامع و تامّ مورد نظر نبوده است شاید به این دلیل که چنین کاری از عهده یک تن یا عده‌ای معدود، به خصوص از راه دور، بر نمی‌آید. اما همه‌جا چنین نیست. در واقع، کسانی که در غرب به شناسائی ایران و به طور کلی شرق پرداخته‌اند، صرف نظر از آشنایی و شناسائی علمی، این شناسایی را برای بهره‌برداری و بهره‌گیری از شرق خواسته‌اند و، در همان حد که این شناسایی برای آنان کفایت می‌کرده، به آن پرداخته‌اند و به عمق مسائل نرسیده‌اند.

اکنون که می‌خواهیم به این مسئله از جنبه علمی پردازیم، که هم در زمینه توسعه همه‌جانبه کشور کاربرد دارد و هم برای کار تطبیقی مفید است، باید طرح جامع‌الاطرافى داشته باشیم. دیگران در کار شرق‌شناسی و ایران‌شناسی طرح جامع علمی نداشته‌اند. اگر وزارت خارجه سفارش دهند، بوده، قصد عملیات استعماری داشته و به عناصری توجه نموده که به کار آن می‌آمده است؛ مثلاً، در باب روحیات ملل مورد مطالعه، بهره‌کشی بهتر از مردم یا، در روابط مالک و زارع، استفاده بهتر از کشاورزی، یا، در روابط مردم با یکدیگر، حکومت و سلطه بهتر در مد نظر آنان بوده و اگر کار صرفاً علمی کرده‌اند بیشتر به تکنوگاری روی آورده‌اند.

بی‌آنکه قصدم اعتراض یا ایراد و غرض‌ورزی باشد، به مسئله‌ای مبنایی اشاره می‌کنم و آن اینکه بیشتر ایران‌شناسان غربی، اگر نگوئیم همه آنان، و، به پیروی از آنان، ایران‌شناسان متخصص ایرانی، تخصصشان در یکی از زمینه‌های تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و نظایر اینها بوده است و کمتر با چند رشته کم و بیش آشنایی داشته‌اند؛ مردم‌شناس کارآزموده و جامعه‌شناس نیز نبوده‌اند.

ایران‌شناسی، با تعریفی که ما از آن داریم، به بحث دربارهٔ کل جامعه یا جامعهٔ کل با شرایطی معین می‌پردازد و، اگر بخشی از این کل نادیده انگاشته شود، هرچند تحقیق به قوت خود باقی می‌ماند، گوشه و کنار آن نقایصی پیدا می‌کند که تحقیق را از کمال و انسجام و استحکام عاری می‌سازد. آنچه ما در مورد ایران‌شناسی به عنوان مطالعه و تحقیقی بین‌رشته‌ای مطرح می‌کنیم تا حدودی به این امر نیز مربوط می‌شود. هرگاه جامعهٔ کل، با روش جامعه‌شناختی و با توجه به زیر و بم آن مطالعه نشود، شناسائی واقعی صورت نمی‌گیرد و گزارش تحقیق از حد تک‌نگاری فراتر نمی‌رود. این نقص مهم در مطالعات ایران‌شناختی هم در مطالعات ایران‌شناسان بنام دو سه قرن گذشتهٔ غرب دیده می‌شود هم در پژوهش‌های ایران‌شناسان پیرو آنها در پنجاه شصت سال گذشته. نتیجه آنکه ایران‌شناسی به صورت رشتهٔ تعریف شدهٔ کامل و منسجمی در نیامده است و بیشتر نوشته‌ها دربارهٔ ایران، هرچند به صورت کتاب یا ارزش یا مقالهٔ پرمایه، با ایران‌شناسی بدین معنی که گفتیم فاصله دارد. این عیب کلی سبب شده است ایران‌شناسی، تا به امروز، دانشی با حدود و ثغور معین نباشد.

### ۱-۳ کم‌اطلاعی پژوهشگران

از دیگر مشکلاتی که شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در آغاز پایه‌گذاری این رشته با آن روبه‌رو بوده است و هنوز هم گرفتار آن است - صرف نظر از کافی نبودن آشنائی خاورشناسان با زبان جامعهٔ مورد مطالعه و ریزه‌کاری‌های آن و بی‌خبری یا دسترسی نداشتن آنان به منابع - مفهوم نبودن برخی از اطلاعات و پدیده‌های بومی برای آنان، به‌ویژه در مسائل اعتقادی، نیز بیگانگی آنان با ظرایف و لطایف و پیچیدگی‌های فرهنگ مردم و

پیچ و خم‌های مسائل تاریخی است که با جلوه‌های ظاهری آنها متفاوت اند.<sup>۱</sup> اینها و بسیاری مسائل مهم اجتماعی نامفهوم دیگر برای جامعه‌شناس یا مردم‌شناس و یا مورخ غربی تحلیل‌ها را ناقص و معیوب و در بسیاری موارد از خط اصلی خارج می‌سازد و به بیراهه می‌کشاند. برخی از جامعه‌شناسان یا ایران‌شناسان به این مشکلات اشاره کرده‌اند اما توضیحات حاشیه‌ای دردی را دوا نمی‌کند. اصطلاحات نگاه از بیرون و نگاه از درون حاصل این واکاوی و دقت در نتیجه‌گیری‌هایی است که با امر واقع خارجی مطابقت ندارد. به هر حال، تأکید ما همچنان بر نگاه از درون آن‌هم نگاه هوشمندانه و از سر اطلاع و با توجه به گردآوری داده‌های کافی در موضوعی معین است. در این صورت است که نگاه از بیرون نیز می‌تواند تا حدودی در برخی ریزه‌کاری‌ها یا در یافت‌های جنبی به روشن شدن بیشتر دستاوردها کمک کند - همان نقشی که روش تطبیقی در رشته‌های دیگر علوم دارد و راه‌گشاست.

نگرنده از بیرون، بنا به تعریف، در خصوص کاری که می‌کند، هم تا حدودی اطلاعات ولو جزئی دارد و هم انگیزه‌ای، به هر دلیل، برای شناختن ایران؛ و به این منظور، احساس نیاز به روش تحقیق در مسائلی از این دست می‌کند. بنابراین، ایران‌شناس خارجی هوشمندانه بحث خاصی را در مطالعه ابتدایی پی گرفته و تا حدودی، در جریان تحقیق، آن مطالعه را عمق بخشیده و اطلاعات به دست آورده را دسته‌بندی کرده است. هرچند ممکن است رابطه این اطلاعات را با دیگر مسائل دریافته باشد، در توصیف داده‌های تک‌ساختی کاری روشمند انجام داده است. اما پژوهشگر ایرانی اصولاً با مسئله ایران به طور مستقل کمتر برخورد داشته و کار و تخصصش رشته دیگر با سلیقه‌ای متفاوت بوده است. در نتیجه، حاصل ایران‌شناسی او

(۱) تأمل در نکته‌هایی که علامه فزونی در این خصوص مطرح کرده است عبرت‌انگیز است.



تکننگاری درباره موضوعی است که در آن تخصص دارد. اگر به کارهای تحقیقی ایرانیان نظر کنیم یا فهرستی از مطالب تألیفات این گروه تهیه کنیم، می بینیم که موضوع آنها مثلاً به زبان، ادبیات، تاریخ، جغرافیا مربوط می شود. تحقیق یاد شده، هرچند در تاریخ یا جغرافیای ایران است، آنچه رویدادها و پدیده‌ها را شکل داده و زمینه‌ساز آنها بوده یعنی عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تمدنی مطرح نشده است. این خصیصه تک‌ساحتی مطالعات، که در هر دو سوی نگاه از بیرون و نگاه از درون وجود دارد، می توان گفت مانع آن شده است که نقشه جامع یا برنامه دقیق و جامع‌الطرافی برای ایران‌شناسی تدوین شود تا محقق بتواند بگوید پژوهش را از کجا شروع و به کجا ختم خواهد کرد یا حداقل قادر باشد حاصل تحقیق خود را با تحقیق دیگری، که در طول یا عرض یا حول محور تحقیق اوست، بسنجد و به نتیجه‌ای قابل توجه برسد بدین معنی که بر او معلوم گردد آن تحقیق چه نقایص یا معایبی داشته و در تحقیق او چه مایه از آن وجود دارد و چند گام آن را پیش برده است.

مشکل دیگری که در مطالعات و استنتاجات ایران‌پژوهان فرنگی در همه زمینه‌ها به ویژه در حیطه فرهنگ اسلامی وجود دارد نقص‌ها و گاه غرض‌ها و تعصبات است. باید پذیرفت که ایران‌شناسی در غرب ناگزیر بخشی از نهضت و گرایشی است که، علاوه بر جنبه ظاهراً یا واقعاً آکادمیائی، همواره و در همه ادوار در پی اهداف سیاسی و اقتصادی نیز بوده است؛ بنابراین، پدیده‌ای فرهنگی با خصوصیات منفعت‌گرایانه و دفاع از هویت غربی ولو کم‌رنگ شمرده می شود<sup>۲</sup>. بارها با این مطلب بدون استدلال یا با استدلال‌های بی پایه روبه‌رو می شویم که شرقی، به هر حال، دارای روحیه‌ای متفاوت،

(۲) ← سخنرانی بهمن سرکاراتی در افتتاحیه نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (خردادماه ۱۳۸۱) با عنوان «برای شناخت ایران چه باید کرد؟».

روحیه شرقی، تافته‌ای جدابافته و کاهل است؛ شرقی ذهن و روحیه باری به هرجهتی دارد و نامتعادل، ناراست، و نظایر اینهاست. بنابراین، غربی باید به اصلاح شرق اقدام کند و حکومتی مانند حکومت خود را برای آن به ارمغان ببرد. خواسته یا ناخواسته این تلقی در بسیاری از مطالعات ایران‌شناسی بازتاب یافته است.

مشکل دیگر ایران‌شناسی غربی پراکندگی و نابسامانی مطالعات است به گونه‌ای که نمی‌توان رابطه دقیقی میان آنها برقرار کرد. مطالعات قدیم در قالب کتاب یا مقالات مفصل به محققان این امکان را می‌داده است که، در صورت علاقه به موضوع، راه تحقیقات قبلی را دنبال کنند و عملاً به عمق کار بیفزایند و یا آنها را نقد کنند و راه تازه‌ای بگشایند. اما نوشتن مقالات بی‌ارتباط با یکدیگر این امکان را از متخصصان و اهل تحقیق گرفته و نوعی انزوای علمی به آنان تحمیل کرده است. علاوه بر این، هر دانشگاه یا پژوهشگاهی موضوعاتی را غیرمرتبط با موضوعات دانشگاه‌های دیگر یا کشورهای دیگر در حیطه مطالعات خود قرار داده و عملاً این پراکندگی و نابسامانی را شدیدتر و گسترده‌تر ساخته است.

این پراکنده‌کاری و نابسامانی، به پیروی از فرنگیان، در کار ما هم مؤثر افتاده است. در نتیجه، آنچه با عنوان ایران‌شناسی در ایران رسم شده است تقریباً حول همان موضوعاتی است که فرنگیان بدان‌ها علاقه نشان داده‌اند. حال آنکه، در ایران، آنها را باید در زمره مسائل تخصصی رشته‌های علوم انسانی دانست. در مباحث ایران‌شناختی باید به گونه‌ای کوشش کنیم که به جنبه‌های تخصصی مرتبط با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون توجه شود. به هر حال، از این پس، باید مطالعات ایران‌شناختی را در ایران منسجم‌تر و با برنامه پیش ببریم.

## ۲ برنامه مطالعات

### ۲-۱ مقدمه

برای مطالعات ایران‌شناختی، مرکز اصلی را می‌توان بنیاد ایران‌شناسی قرار داد. اما نباید انحصارطلبی پیشه کرد و مؤسسات دیگر را از پرداختن به مسائل ایران به گونه‌ای بین‌رشته‌ای بازداشت. حتی، اگر بخواهیم راه درست را در پیش گیریم، باید علاقه‌مندان را به ورود در عرصه این مطالعات پردامنه تشویق کنیم. همچنین باید برنامه‌ای برای این مطالعات تدوین کرد. نخست باید ایران و قلمرو آن به اختصار تعریف شود. سروکار ما با ایرانی است که در تاریخ و در پهنه شرق حضوری متمادی و گسترده داشته است. از این لحاظ، ما با ایران تاریخی- فرهنگی روبه‌رو هستیم که باید مسائل آن را، بی‌آنکه ادعای ارضی داشته باشیم، بررسی کنیم. علاوه بر آن، از لحاظ زبانی، ایران دارای مشترکاتی با دیگر زبان‌های نزدیک به خود و هم‌ریشه خود به اضافه گویش‌ها و لهجه‌های متنوع است. در نتیجه، از این منظر نیز ما با ایران زبانی (حاوی زبان فارسی، زبانهای ایرانی، گویش‌ها، و لهجه‌ها) سروکار داریم که مباحث آن در حیطه ایران‌شناسی جای می‌گیرد.

### ۲-۱-۱ ایران جغرافیائی

قسم عمده‌ای از مطالب به مباحث ایران جغرافیائی مربوط می‌شود. همچنین ایران در تعاملات جهانی حضوری ریشه‌دار و پرمایه داشته است و دارد و دو بُعد عمده مطالعات ایران‌شناختی را در عین توجه به دو مقوله ایران زبانی و ایران تاریخی- فرهنگی در بر می‌گیرد. ایران در تعاملات جهانی، صرف نظر از روابط با خارج که خود موضوعی گسترده برای مطالعات ایران‌شناختی است، باید با نوعی تقسیم‌بندی

جغرافيايى نيز مرتبط گردد. مطالعات ايران‌شناختى، هم به لحاظ موضوع و هم به لحاظ تاريخ گسترده‌گى فعاليت در کشورها و قاره‌ها، متفاوت‌اند. براى اشراف بر مطالعات انجام‌يافته و احتمالاً تعيين گرايش‌هاى آينده اين مطالعات، شايد مفيد باشد حوزه‌هاى ايران‌شناختى تقسيم‌بندي شوند. مضافاً اينکه، در اين تقسيم‌بندي صرف نظر از وجه سياسى که بدان نيمى پردازيم، هم مقوله ايران تاريخى- فرهنگى و هم مقوله ايران زباني، بسته به نوع ارتباطى که کشورهاى حوزه مورد نظر با ايران داشته‌اند و دارند، مطرح‌اند.<sup>۳</sup>

گفتيم که پراکنده‌گى مطالعات ايران‌شناختى هم در خارج از ايران و هم در ايران وجود دارد. با اين همه، از اندوخته هنگفت اين مطالعات، حداقل تک‌نگارى‌هاى بارزى يا، در مواردى، سزاوار انتقاد، نيمى توان گذشت و حداقل فهرستى از آنها، هرچند ناقص، بايد به دست داد. در اين فهرست، شايبه است مطالعات ايران‌شناختى، به اعتبار قلمرو و موضوعات و مسائل، دسته‌بندي شود.

#### قلمرو ايران‌شناسى

۲-۱-۲

از لحاظ قلمرو، بايد ديد که ايران‌شناسى در چه حوزه‌هاى حضور داشته تا از سوابق آن، در مواردى که به عنوان پايه و مايه مطالعات نظام‌يافته ايران‌شناسى درخور استفاده باشند، بهره گرفت. با توجه به آنچه گذشت قلمرو ايران‌شناسى را در خارج و داخل ايران مى‌توان به حوزه‌هاى زير تقسيم کرد:

– حوزه ايران و کشورهاى شبه قاره - حضور ايران طي قرن‌هاى متمادى

(۳) ← سخنراني نگارنده در نخستين همایش ملی ايران‌شناسى (خرداد ۱۳۸۱) «توسعه نظام‌يافته ايران‌شناسى در آينده و چند پرسش اساسى درباره آن» و نيز مقاله «گزارش مختصر فعاليت‌هاى بنياد ايران‌شناسى» در دومين همایش ملی ايران‌شناسى (آذر- دى ۱۳۸۳).

در این خطه معلوم است و فعالیت زبان فارسی و مطالعات این زبان و نیز مطالعات تاریخی و جغرافیائی و هنری در آن آشکار است.

– حوزه کشورهای روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز، اروپای شرقی که هم رابطه تاریخی آن با ایران روشن است و هم تأثیر روش‌های حکومت شوروی در دوره تسلط بر این کشورها و مطالعاتشان واضح است.

– حوزه افغانستان و ترکیه - افغانستان را می‌توان از یک جهت با ترکیه در یک حوزه قرار داد و از جهت دیگر با شبه قاره. از آن جهت با ترکیه که روزگاری حکومت عثمانی به نوعی با افغانستان در ارتباط بوده است.

– حوزه کشورهای عربی و افریقایی - بیشتر ارتباط ایران با کشورهای عربی است ولی مطالعات ایران‌شناختی در کشورهای افریقایی از مطالعات کشورهای عربی و نیز مطالعات اروپایی تأثیر پذیرفته است.

– حوزه کشورهای اروپایی - شمالی، غربی، جنوبی - که دارای سابقه طولانی در مطالعات ایران‌شناسی است.

– حوزه خاور دور - از کشورهای این حوزه، چین و ژاپن در سال‌های اخیر با این مطالعات سروکار یافته‌اند. در این دسته، مالزی و اندونزی و دیگر کشورهای خاور دور و اقیانوسیه را نیز می‌توان جا داد.

– کشورهای قاره امریکای شمالی، به‌ویژه امریکا سپس کانادا و کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی.

در مورد ایران جغرافیائی نیز مطالعات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: دسته‌ای که، به پیروی از ایران‌شناسی خارجی، در ایران تاکنون به انجام رسیده یا، پس از این، در ضمن مقالات، کتاب‌ها به‌ویژه رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری ادامه خواهد یافت. طرح روش جدید درج چنین مطالعاتی را در حیطه ایران‌شناسی، که با قصد شناساندن ایران انجام گرفته‌اند، نفی

نمی‌کند. بنابراین، بهتر است این سنخ مطالعات نیز ارزیابی شوند و، بر اساس نتایج آنها، کارهای آینده از انسجام برخوردار گردند ضمن آنکه بخشی از این مطالعات را نمی‌توان یکسره نامنجم و کم‌اعتبار تلقی کرد.

دسته دیگر مطالعاتی است که در قالب جامعه کل و اجزای آن باید انجام یابد و، در آنها، داده‌های ایران‌شناختی موجود در پاگردهای اجتماعی و نیز منبعث از مفاهیم اجتماعی، در گروه‌های جامعه و در گروه‌ها و جامعه‌های اختصاصی به تفصیل توصیف و تشریح شوند.

در واقع، پیش از آنکه سراسر جهان یکپارچه شود و جامعه کل را سازمان دهد، با جوامع کل متعدّد و متفاوت در تمامی جهات و یا جهات بسیار روبه‌رو هستیم. یکی از آن جوامع کل جامعه کل کنونی ایران است. اما در بحث ایران‌شناسی، جغرافیای جامعه کل ایرانی انبساط و انقباضی داشته است که بیش و کم مورد توجه همه جغرافی‌دان‌ها و مورخان و بسیاری دیگر از صاحب‌نظران قرار گرفته است و ما نیز، در توضیحاتی که درباره قلمروها داده‌ایم به اختصار به آنها اشاره کرده‌ایم.

هر جامعه کل دارای ساختاری کلی و گروه‌های متعدّد و اجزای واقعیّت اجتماعی است. هر یک از واقعیّت‌ها نوعی رابطه اجتماعی پایدار یا ناپایدار را پدید می‌آورند. در مورد جامعه کل ایران، جامعه‌های اختصاصی و قسمتی از گروه‌ها یا گروه‌بندی‌ها را به اختصار در بحث ایران‌شناسی مطرح می‌کنیم. اما واقعیّت‌های اجتماعی، که در پاگردها یا پله‌واره‌هایی از سطح به عمق جامعه ظهور و بروز می‌یابند و تمامی آنها به هم پیوسته‌اند و با یکدیگر برخورد دارند و نوع پیوستگی و یا برخوردشان با یکدیگر به وضعیّت و موقعیّت و نوع واقعیّت بستگی دارد، به استقلال مورد بحث قرار نمی‌گیرند. در واقع، نظر به اینکه پاگردهای اجتماعی شکل نگرفته‌اند و عناصر جامعه

صغیر (من، تو، او...) در همه جا حضور دارند، در اینجا، بحث مربوط به آنها و نیز مصادیق آنها را که تا حدود زیادی ابهام دارند مطرح نمی‌کنیم بلکه، در ضمن مباحث مربوط به گروه‌ها و وجوه اختصاصی جامعه، بدانها می‌پردازیم. از جامعه کل ایران در ادوار گوناگون نیز فعلاً بحثی به میان نمی‌آوریم؛ چون هنوز داده‌های لازم را در اختیار نداریم. منشأ اشتباه اغلب یا تمامی جامعه‌شناسان در تقسیم‌بندی جامعه‌ها - نظیر تقسیم‌بندی طرفداران مارکس به جوامع کمون (commune) اولیّه، بردگی، فئودالی، بورژوازی - همین معنی است که توجه نکرده‌اند ابتدا باید داده‌ها را حداقل در سطح گروه فراهم آورد نه آنکه بدون دقت و شتاب زده چند مفهوم بر ساخته را اساس تحلیل قرار داد. حال آنکه اینان، اگر به استقرائی که خود مرتباً به آن اشاره می‌کنند، مختصری توجه می‌نمودند، چنین اشتباه فاحشی را مرتکب نمی‌شدند. این تقسیم‌بندی به فرض که در مورد برخی قسمت‌های اروپا صدق کند، قطعاً در جاهای دیگر نوعی مطابقت دادن تحمیلی و مکانیکی است. عنوان نامأنوس وجه تولید آسیائی هم دردی را دوا نمی‌کند. بنابراین، این نوع تقسیم‌بندی در مورد جامعه کل ایران موکول به مطالعه و بحث کامل درباره مصادیق و خصایص اساسی آنهاست.

## ۲-۲ گروه‌ها و طبقه‌بندی آنها

### ۲-۲-۱ گروه و تعریف آن

در بحث از گروه‌های جامعه، در برابر واحدهایی جمعی و واقعی قرار داریم که مستقیماً قابل مشاهده‌اند. این واحدها غالباً وسایل و ابزارهایی در اختیار دارند که ممکن است خصلت اقتصادی و فنی و گاه فقط خصلت رمزی داشته باشند. این واحدها اساساً در صحن جامعه به مبارزه می‌پردازند و، پس از مبارزه

و گاه پیش از آن، به توافق می‌رسند. نظر به اینکه گروه‌ها می‌توانند در ساحت جامعه‌های کل جایگاهی کسب کنند، سلسله‌مراتب آنها را می‌توان ملاک روشنی برای مطالعه سنخ‌های جامعه کل در نظر گرفت. برای آنکه بتوان از گروه سخن گفت، باید در گروه توجه به مرکز حاکم باشد و وحدت بر کثرت تقدم یابد و، در عرصه آن، «ما»ی فعال، در قبال «ما»ی متباعد، به سوی هماهنگی جهت‌گیری کند و نیز روابط با «ما» بر «روابط با دیگری» مقدم گردد.

در برخی از گروه‌ها با نوعی تداوم در شیوه رفتار جمعی آشکار روبه‌رو می‌شویم. این گروه‌ها به آسانی در سلوک‌های جمعی منظم - سلوک‌های شعاعی، روش و یا طرز عمل‌های اجتماعی، آداب و رسوم، کارهای روزمره، نوع زندگی و... - متبلور می‌شوند و به صورت مدل‌های استاندارد شده و نمادها و ارزش‌ها و ایده‌های خاص تغییر شکل می‌یابند. گروه‌ها بیشتر در پاگردهای صلب و سخت به فعلیت می‌رسند و بیشتر اندیشیده‌اند و در واقعیت اجتماعی باثبات‌ترند. هر جامعه دارای گروه‌هایی است که ممکن است برای مدتی ثابت بمانند یا، در فواصل زمانی کوتاه، شمارشان افزایش یا کاهش یابد. شمار گروه‌ها را اوضاع و احوال هر جامعه معین می‌سازد. در جامعه‌ای که اعضای آن پراکنده‌اند گروه‌های دارای همبستگی بیشتر کمتر شکل می‌گیرند. به عکس، در شهرهای کوچک جامعه، در مقایسه با شهرهای بزرگ، روابط گروهی بیشتر و نزدیک‌تر است و این معنی در روابط همسایگی نیز صدق می‌کند. در محدوده خانه‌های کوچک، روابط دوستانه یا خصمانه بیشتر از مجتمع‌های مسکونی چنداشکوبه و برج‌ها پدید می‌آید.

در اینجا، فهرستی از گروه‌ها را که معمولاً می‌توان در جامعه‌هایی نظیر جامعه ایران و در تاریخ آنها کم و بیش یافت با شرح مختصر ارائه می‌کنیم:  
در تعریف گروه می‌توان گفت که بر واحد جمعی واقعی و رسمی مستقیماً



قابل مشاهده اطلاق می شود. اساس آن شیوه رفتار جمع فعال با عمل مشترک است. این واحد، باگرایش همجوشی نسبی، شیوه رفتار و سلوک اجتماعی ساخت پذیری را می سازد.

مختصات گروه به شرح زیر است:

– واقعیت گروه غنی تر از جامعه پذیری است اما گروه، به لحاظ غنا، از جامعه کل نازل تر است.

– شیوه های رفتار دسته جمعی که بیش و کم مستمرند یکی از بنیادهای تشکیل گروه است.

– برای آنکه گروهی شکل گیرد، باید، در عرصه و صحنه آن، کشش جامعه پذیری فعال برکشش طبیعی اجتماعی یا جامعه پذیری غیرفعال تقدم جوید.

– کادر اجتماعی، اگر هم ساخت یافته نباشد، حداقل باید ساخت پذیر باشد. شمار گروه ها لزوماً همواره به آنچه در اینجا ذکر خواهد شد محدود نمی ماند و ممکن است در آینده کمتر یا بیشتر شود. مطالعه درباره گذشته نیز چه بسا نشان دهد که گروه هایی را باید بر این فهرست افزود یا از آن کاست یا بعضاً عنوان و هویت آنها را تغییر داد. در طول تاریخ ایران، مصادیق متعددی، به ویژه در تاریخ ملی یا محلی، می توان عنوان کرد. مصادیقی که گهگاه ما به آنها اشاره می کنیم مربوط به صد سال اخیرند ضمن آنکه، در برخی موارد روشنگر، از دوره های دیگر نیز به اشاره یا به تفصیل یاد خواهد شد.

برای بررسی گروه ها و عنوان بندی آنها، ابتدا باید، در زمینه نکته هایی که بازگفته می شود، داده هایی گردآوری شود. برای مثال، باید معلوم گردد که اشخاص در قوام یافتن و دوام گروه تأثیر دارند یا نه؛ همچنین ضوابط و ارزش گذاری های خاص برای گروه پیش بینی شده است یا نه. مثلاً انجمن

خيريه‌اى كه براى ساختن يك مدرسه به وجود آمده است با انجمنى كه مدرسه‌سازى را به طور نامحدود در اساسنامه و يا توافقنامه‌اش آورده است كاملاً متفاوت است. يا، به فرض، اگر براى بقاى انجمنى پژوهشى عضويت حداقل ده تن فارغ‌التحصيل فلان مدرسه‌عالى در آن شرط باشد، چه بسا به سبب كمى عده دانش‌آموختگان يا انحلال مدرسه‌عالى شرط حاصل نشود و انجمن پايدارى خود را از دست بدهد.

#### ۲-۲-۲ طبقه‌بندى گروه‌ها

الف) به اعتبار شمار وظايف - گروه‌ها از نظر وظيفه به تك‌وظيفه‌اى، چندوظيفه‌اى، و فراوظيفه‌اى تقسيم مى‌شوند. گروه تك‌وظيفه‌اى مانند شركت تجارى، كارخانه، كارگاه، صندوق بيمه وظيفه‌اى خاص را انجام مى‌دهد.

گروه‌هاى چندوظيفه‌اى مانند شهردارى‌ها و فرماندارى‌ها همچنين گروه‌هاى خانوادگى، گروه‌هاى سنّى جوانان، داراى چند فعاليت مشخص و معين‌اند؛ همچنين سازمان‌هاى اقتصادى كه هم توليدكننده‌اند هم مصرف‌كننده. گروه‌هاى نژادى يا گروه‌هاىي درون ملت كه مدعى تشكيل دولت و ملت جديدى باشند فراوظيفه‌اى به شمار مى‌آيند. در ابتداى مشروطه، گروهى كه در بختيارى دولت مستقلّى تشكيل داده بود از اين دست بود. در مورد گروه جنگل بايد بيشتر بررسى شود.

ب) به اعتبار شمار اعضاى گروه‌ها - در اين طبقه‌بندى، شمار اعضا داراى اهميت اساسى است. گروه‌ها به اين اعتبار، به كم‌شمار، متوسط، و گسترده تقسيم مى‌شوند. كم‌شمار مانند خانواده‌هاى كوچك غالباً دو نفره؛ گروه‌هاى گسترده كه گاه از مرز کشور هم فراتر مى‌روند و معمولاً اعضاى آنها از هم جدا

هستند یعنی به ندرت گرد هم می آیند و یا هرگز جمع نمی شوند؛ گروه‌های متوسط که بین آن دو جای دارند.

عنوان‌های کم‌شمار و متوسط و گسترده نسبی‌اند و برحسب ادوار و نوع جامعه فرق می‌کنند. در دوره گسترده‌گی تمدن اسلامی، شاهد گروه‌های گسترده بیشتری هستیم.

ج) به اعتبار عمر-گروه‌ها، از نظر عمر، به سه دسته موقت، پایدار، و دائمی تقسیم می‌شوند. عمر در سازمان یافتن و ثبات گروه‌ها حایز اهمیت است. در واقع، گروه‌ها برای سهیم‌گشتن در تکوین تمدن و فرهنگ و یافتن چهارچوبی سازمانی نیاز به ثبات دارند هرچند میان عمر گروه و سازمان‌یافتگی آن همواره ملازمت وجود ندارد. بعضی از گروه‌ها مانند قشرهای اجتماعی، هرچند دائمی‌اند، در سازمانی خاص متمرکز نیستند؛ در صورتی که گروه محققان، که عملاً موقت است و پس از ادای وظیفه‌ای که به آن محول است منحل می‌گردد، سازمان‌یافته است. از نظایر آن است گروهی که برای مسابقه‌ای ورزشی تشکیل می‌شود و پس از پایان مسابقه از هم می‌پاشد یا مهمانی‌های دوره‌ای که مدتی می‌پایند و با انصراف بانوی اصلی یا کنار رفتن و فوت او متوقف می‌شوند. گروه بازی اطفال نیز از همین سنخ است. برخی تجمعات، مانند صف اتوبوس و تاکسی و مترو و بانک، دارای جنبه بینابینی‌اند و، چون هدف مشترک پایداری ندارند، نمی‌توان آنها را گروه شمرد.

گروه‌های پایدار گروه‌هایی هستند که تنها با شرایط خاصی منحل می‌شوند مثلاً با فوت بعضی از اعضا یا بارأی اشخاص ذی‌نفع یا تصمیم اکثریت اعضا و یا انحلالی که از خارج تحمیل شود. به عنوان مثال، زناشویی با مرگ یا طلاق منحل می‌گردد؛ کلاس مدرسه در پایان دوره تعطیل می‌شود.

گروه سنى که با بلوغ اعضا يا پراکنده شدن آنها از ميان مى‌رود؛ کارگاه که با تصميم کارفرما يا رأى شرکا به تعطيل کشانیده مى‌شود؛ شرکت تجارى يا حزب سياسى که با تصميم اعضا يا تصميمى که از خارج تحميل شود منحل مى‌گردد.

برحسب شرايط مساعدى که از انحلال گروه جلوگیری مى‌کند يا شروطى که براى انحلال پيش‌بینى شده است، گروه‌بندى بيش‌وکم پایدار تلقى مى‌شود.

گروه دائم گروهى است که امکان انحلال آن نه پيش‌بینى شده است و نه مورد نظر است. در واقع، اين گونه گروه‌ها به وجود مى‌آیند که پایدار بمانند. بسيارى از گروه‌هاى سازمان‌يافته يا سازمان‌نايافته، چنين‌اند. قشرهاى اجتماعى، حرف و صنايع، توليدکنندگان و مصرف‌کنندگان، در صورتى که گروهى را تشكيل دهند، رسته‌هاى خدمات عمومى، همچنين دولت و سازمان‌هاى بين‌المللى از جمله گروه‌هاى دائم‌اند. وابستگى اين گروه‌ها به حيات يا سهم اعضاى شرکت‌کننده در اداره آنها اندک است؛ اما اين امر مانع آن نيست که سازماندهى اين گروه‌ها خصلت دموکراتيک داشته باشد. در نظام ارزشى، نمى‌توان گفت که ارزش گروه‌هاى دائم از گروه‌هاى پایدار يا ارزش گروه‌هاى پایدار از گروه‌هاى موقت بيشتر است. در واقع، اين ارزش‌گذارى منوط است به ساخت‌هاى کلى گروه، اوضاع و احوال مشخص و ارزش‌هاى پذيرفته‌شده در اجتماع، يا ارزش‌هاى خاص به عنوان ضابطه. بدین سان، چه بسا، در عمل، گروه‌هاى پایدار بيش از گروه‌هاى دائم عمر کنند.

د) به اعتبار حرکت - هرگاه بپذيريم که، علاوه بر زمان تقويمى يا فزيکى، زمان‌هاى از سنخ ديگر همچون زمان‌هاى اجتماعى و روان‌شناختى نيز وجود

دارند، باید بررسی کنیم که زمان خاص هر گروه از کدام سنخ است. بدین قرار، می‌توان زمان‌هایی را یافت که در خانه، دفتر کار، کارخانه، مدرسه، حزب سیاسی، روستا، شهر، یا در فلان یا بهمان محله شهر می‌گذرد. با مقایسه این زمان‌ها معلوم می‌گردد که در برخی گروه‌ها زمان، نسبت به گروه‌های دیگر، سریع‌تر می‌گذرد. به روشنی می‌توان به این معنی پی برد که آهنگ زندگی در گروه‌های محلی و گروه‌های خویشاوندی کندتر است و گذر زمان در گروه‌های درگیر فعالیت‌های اقتصادی سرعت بیشتری دارد یا در گروه‌هایی چون جمعیت جوانان، حزب سیاسی، تشکیلات حرفه‌ای معمولاً زمان سریع‌تر از آنچه در قشرهای اجتماعی شاهدیم می‌گذرد.

ه) به اعتبار میزان پراکندگی - افراد گروه‌ها لزوماً در مکان معینی گرد نمی‌آیند و فاصله آنها در برخی از گروه‌ها زیاد است. تماس افراد در برخی گروه‌ها جنبه تصنعی دارد بدین معنی که از طریق نامه یا تلفن یا دیگر وسایل ارتباطی برقرار می‌گردد. افراد برخی از گروه‌ها به صورت ادواری با یکدیگر ملاقات دارند. در عوض، برقراری ارتباط در برخی گروه‌ها پایدار و منظم و با ضابطه‌ای معین است. پیش‌داوری است اگر گمان شود که گروه بدون آنکه اعضای آنها حداقل به صورت ادواری گرد هم آیند نمی‌تواند تحقق یابد. گروه‌هایی هستند که دور از هم‌اند. همچنین گروه‌هایی هستند که اعضای آنها به صورت مجازی (تلفنی یا نامه‌ای یا رایانه‌ای) با یکدیگر ارتباط دارند یا به ندرت فراهم می‌آیند. بدین سان، بر اساس ملاک پراکندگی چندین زیرگروه می‌توان تشخیص داد:

گروه‌های با فاصله بسیار افراد آن مانند بی‌کاران، تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، هم‌شغلان که فاصله مانع سهم شدن آنان در اظهار نظر درون سازمان‌های چندگانه حتی به کیفیت بسیار مؤثر و نافذ نمی‌گردد.

از گروه‌هایی که تماس مجازی دارند مشترکین نشریات سیاسی را می‌توان مثال زد که فقط به سراغ بخش‌هایی سیاسی که در آن نام‌نویسی کرده‌اند می‌روند و نوشته‌هایی را که برایشان می‌فرستند مرتباً می‌خوانند. تشکیلاتی نیز که اعضای آنها در جلساتی جمع نمی‌شوند و از طریق نامه رأی می‌دهند از این زمره‌اند. باید گفت نمی‌توان این دو دسته و نظایر آنها را که مثلاً از طریق رایانه با هم در تماس‌اند از گروه‌هایی جدا کرد که ارتباط حضوری دارند. در واقع، ارتباطات امروزی به‌گونه‌ای است که هریک از آنها می‌تواند به صورت دیگر نیز عمل کند.

و) به اعتبار بنیاد تشکیل گروه-گروه‌ها از راه عملی، ارادی، یا تحمیلی تشکیل می‌شوند.

در تشکیل از راه عملی، اعضای گروه، بی‌آنکه صریحاً خواسته باشند یا به اطاعت از امر سازمانی معین ناگزیر شده باشند، در آن شرکت می‌کنند. گروه‌های نژادی، بی‌کاران، گروه‌های سنی، جمعیت‌هایی که خود به خود واحدهای جمعی واقعی را تشکیل می‌دهند گروه‌های عملی هستند. افراد، بی‌آنکه لزوماً خود بدانند، عضو این گروه‌ها شمرده می‌شوند.

بین گروه‌های پدیدآمده از راه‌های عملی و ارادی گروه‌های واسطه‌جای دارند. گروه‌های مشاغل و حرف از این قبیل‌اند که اعضای آنها غالباً به اراده و برحسب استعداد و کارائی خود گروه خود را انتخاب می‌کنند؛ اما همین‌که حرفه یا شغل را اختیار کردند، عملاً و بی‌آنکه بدانند، در گروه مشخص یا در مجموعه‌ای شامل آن- فی‌المثل تولیدکنندگان- مندرج می‌گردند. مثال دیگر استخدام شخص در کارخانه است که با درج عملی او در گروهی معین و مسلط‌ترین است. بدین‌سان، کارگر به اراده خود قرارداد استخدام را می‌پذیرد و غیرارادی تابع مقررات کارخانه می‌شود.

می‌توان مصادیق متعددی دارای جنبه واسط نیز نشان داد مانند خانواده حاصل از زناشویی و فرقه مذهبی که اعضای آنها با خواست خود عضو آن می‌شوند یا بدان می‌پیوندند یا به رضا و رغبت خود در آن پذیرفته می‌شوند. از این نوع‌اند احزاب سیاسی، انجمن‌های نوع‌دوستانه و خیریه، انجمن‌های علمی، انجمن‌های تجاری، و شرکت‌های سهامی.

گهگاه ورود به این گروه‌ها بسیار آسان‌تر از خروج از آنهاست. نباید گمان کرد که گروه‌های تشکیل‌یافته به طور ارادی خروج آزاد را می‌پذیرند. این امر ممکن است دشوار و حتی عملاً یا قانوناً ممتنع باشد. خروج از شرکتی تجاری پی‌آمدهایی از جمله خسارات مالی یا اخلاقی دارد که گهگاه سخت است. کسی که حزبی سیاسی را ترک می‌کند، چه بسا دوستان سیاسی و گاه خانواده‌اش او را به خیانت متهم کنند. در گروه‌هایی از این دسته، ممکن است مقرراتی آزادی خروج را محدود سازد. اتحادیه‌های صنفی از این قبیل‌اند. در ابتدای مشروطیت، برخی جمعیت‌ها خروج از جمعیت را نمی‌پذیرفتند و افرادی را که خارج می‌شدند به سختی مجازات می‌کردند.

خانواده پدیدآمده از زناشویی امروزه را می‌توان گروه واسط گروه‌های ارادی و عملی و تحمیلی شمرد. زن و شوهر گروهی ارادی می‌سازند چون گروه بر اساس توافق آن دو پدید آمده است؛ اما حق طلاق مشروط به شروطی است. اطفال عضو گروه عملی هستند که در آن به هنگام تولد خود به خود درج شده‌اند. همچنین اطفال، در رابطه با والدین، گروه تحمیلی پدید می‌آورند زیرا دولت است که تکالیف و حقوق اعضای خانواده را مقرر می‌دارد. در برخی از موارد، گروه‌ها از جمله گروه زن و شوهری، وقتی از ابتدای تولد عقدشان جاری شده باشد، تلفیقی از تحمیلی و عملی است و خصوصیت گروه ارادی در آن رنگ می‌بازد.

گروه تحمیلی گروه‌هایی هستند که شرکت اعضا در آنها به تحمیل باشد. در تمامی ادوار، دولت، در هر شکل، به عنوان گروه تحمیلی عرض وجود کرده است؛ زیرا، با قدرت و اعتبار خاص خود یا، با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی، شهروندانی را که باید عملاً تابع آن باشند معین کرده و شرایطی را معلوم و مقرر ساخته که این اتباع یا شهروندان باید از آن بهره‌مند شوند.

(ز) به اعتبار شیوه دسترسی - به اعتبار شیوه حضور اعضا در گروه و دسترسی به آن، می‌توان گروه باز، گروه با دسترسی مشروط، و گروه بسته را تشخیص داد. این تمایز در گروه عملی، که همواره گروه باز است، وجود ندارد. اما گروه‌های ارادی و تحمیلی ممکن است آزاد و یا مشروط به شروط و یا بسته باشند. مع الوصف، با شرایطی که از پیش تعیین شده است، غالباً به این گروه‌ها دسترسی پیدا می‌شود.

گروه باز، علاوه بر گروه‌های عملی مانند گروه‌های سنتی، بی‌کاران، کارکنان صنایع، تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، مشاغل و حرف، هنگامی که واحدهای جمعی واقعی را تشکیل دهند، گروه‌هایی چون انبوه خلق، تظاهرات، مجامع، گروه‌های امداد و خیریه و نوع‌دوستانه، مسافران و گردشگران را در بر می‌گیرد.

گروه‌های بسته را بیشتر در کشورهای جهان سوم باید سراغ گرفت هرچند در کشورهای اروپایی و امریکایی نیز چنین گروه‌هایی کم نیستند. در رم و یونان قدیم و پارس و مصر نیز این گروه‌ها وجود داشته‌اند. هزار فامیل همچنین گروه اشراف که از طریق تولد و وراثت در گروه عضویت پیدا می‌کنند در این دسته جای می‌گیرند. کاست (طبقه بسته)‌ها نیز از همین مقوله‌اند.

گروه‌های با دسترسی مشروط گروه‌هایی هستند که ورود در آنها مشروط به شروطی است و شروط گاه سخت و گاه بسیار آسان است (طرفداران حسن



صباح). مقررات مربوط به مقاطع آموزشی از جمله امتحان ورودی، ادای سوگند، برخی تضمین‌ها، لزوم معرف یا معرفان برای بعضی امور از جمله امور بانکی در زمره شروط یاد شده است. شروط ورود به گروه، هرگاه سنگین باشد، با عدم تسامح و گروه‌سالاری (الیگارش) و، هرگاه آسان باشد، با تزلزل و بی‌ثباتی روبه‌رو می‌شویم. گونه‌های دوگانه‌ای هم دیده می‌شود؛ مثلاً شرط ورود به هیئت علمی دانشگاه‌ها گاه سخت است. در عوض، گروه دانشگاهیان گاه رفتاری قرین تساهل دارند و علوم را در فضایی وسیع اشاعه می‌دهند و با شرکت مستمعان آزاد مخالفتی ندارند. اما همواره چنین نیست و گاه استادان تنها به عده معدودی اجازه حضور در مجلس درس خود می‌دهند. ح) به اعتبار نوع وظایف - گروه بر حسب نوع وظیفه به هفت دسته تقسیم می‌شود:

- وظایف خویشاوندی خونی یا روحانی که خانوارها و خانواده‌ها از همین گروه‌اند.

- وظایف برادرانه مبتنی بر وضعیت خاص از جمله وضعیت اقتصادی و گاه مبتنی بر معتقدات و ذوق و مشرب یا منافع. گروه‌های سنتی و جنسی، مردان مجرد در جامعه‌های باستانی، اطفال، گروه‌های دارای درآمد یا دارایی یکسان، بی‌کاران، برادران و دوستان، زیردستان یک رئیس، کسانی که با هم زندگی می‌کنند، طرفداران، شاهدان یا شرکت‌کنندگان در یک حادثه تاریخی، گروه‌های سنتی از این زمره‌اند.

- وظایف محلی که اعضای این گروه‌ها از طریق همسایگی و ضرورت حفظ آرامش در محل زندگی به هم پیوسته‌اند. انجمن‌های سیاسی، حکومت‌های محلی، سازمان‌های ناحیه‌ای نیز از این دسته‌اند.

- وظایف اقتصادی در عرصه جرف، مشاغل، کارگاه، کارخانه، دکان،

مغازه، دفتر، شرکت تجاری، شرکت سهامی، کارگاه صنعتی و زراعی، تعاونی، بانک. وظایف اصلی گروه‌ها تولید، مبادله، و توزیع است. در واقع، این گروه‌ها به اعتباری جامعه‌ای اقتصادی شمرده می‌شوند.

– وظایف مشترک ناشی از روابط برادرانه و فعالیت اقتصادی. همچنان که گروه‌هایی واسطه‌گروه‌های مبتنی بر فعالیت اقتصادی و روابط خویشاوندی وجود دارد، گروه‌هایی هم هستند که خصایص روابط برادرانه و مشترکات اقتصادی (درآمد، دارایی، بی‌کاری...) را در خود جمع دارند.

– وظایف مربوط به فعالیت‌های غیرانتقاعی که برپایه آنها احزاب سیاسی، انجمن‌های علمی، انجمن‌های هنری، مجامع تربیتی، مجامع مدنی، مجامع و بنیادهای نوع‌دوستانه و خیریه، مجامع ادبی و علمی، انجمن‌های ورزشی و نظایر آنها شکل می‌گیرند.

همچنین خصوصیات عرفانی و روحانی که سلسله‌ها و فرقه‌ها و انجمن‌های صوفیانه و اخوت را شکل می‌دهند.

ط) به اعتبار جهت‌گیری - به این اعتبار، گروه‌های تقسیم و توزیع و گروه‌های وحدت تشخیص داده می‌شوند که به ترتیب دارای جهت‌گیری مبارزه‌جویانه و آشتی‌جویانه‌اند.

گروه‌های ارتباط برادرانه (گروه افرادی که دارای درآمد مشابه‌اند، لایه‌های اقتصادی، بی‌کاران، جمعیت‌های گوناگون، گروه‌های سنی و جنسی، گروه‌های اطفال) از نوع گروه‌های تقسیم‌اند. تقریباً تمامی گروه‌های خویشاوندی از نوع گروه‌های وحدت‌اند. حرف و مشاغل، هنگامی که واحدهای جمعی را تشکیل می‌دهند، از نوع گروه‌های تقسیم‌اند در حالی که کارخانه‌ها، بنگاه‌ها، صنایع، صندوق‌های بیمه اجتماعی، سازمان‌های اقتصادی مذهبی از نوع گروه‌های وحدت‌اند. در میان گروه‌های عقیدتی و

مشرّب روحانی و معنوی، احزاب سیاسی از نوع گروه‌های تقسیم و انجمن‌های نوع دوستانه و خیریه و علما از نوع گروه‌های وحدت‌اند. آنچه گروه‌های محلی را در برابر تمامی گروه‌های دیگر قرار می‌دهد گرایش آنها به وحدت است. نباید فراموش کرد که در گروه‌های تقسیم و وحدت ممکن است به ترتیب دسته یا دسته‌هایی سازش‌کننده و معارض پیدا شوند. در واقع، معمولاً جهت‌گیری گروه عملاً برآیند مبارزه گرایش‌های دسته‌های مندرج در آن و تابع ساخت و اوضاع و احوال آن جامعه کُل است که گروه در آن مدغم است.

گاه گروه‌هایی که از نوع وحدت شمرده شده‌اند مبارزتر از گروه‌های تقسیم تشخیص داده می‌شوند و، در عوض، گروه‌هایی که از نوع تقسیم تلقی می‌شوند سازگارتر از گروه‌های وحدت‌اند. در واقع، جهت‌گیری گروه با وضعیت عینی تعیین می‌شود. همچنین، گروه‌های وحدت و گروه‌های تقسیم برحسب آنکه در خدمت منافع عام یا منافع خاص باشند متمایز می‌گردند. عملاً یکی از این دو حالت اتفاق می‌افتد و با مطالعه میدانی است که معلوم می‌گردد کدام یک از گروه‌های تقسیم و وحدت در خدمت منافع خاص یا عام‌اند. (ی) به اعتبار شیوه نفوذ جامعه کُل - به این اعتبار گروه‌ها به گروه‌های عصیانگر و کاملاً مطیع و متقاد جامعه کُل تقسیم می‌شوند.

جامعه کُل در تمامی گروه‌ها، چون در جامعه کُل مدغم‌اند و در سلسله مراتب گروه‌بندی‌های آن جای دارند، نفوذ دارد اما کیفیت نفوذ و میزان آن برحسب گروه‌بندی‌ها متنوع است. اگر به نظر رسد که گروه‌های باز و وحدت نسبت به جامعه کُل مطیع‌تر و رام‌تر از سایر گروه‌ها هستند و گروه‌های بسته و تقسیم عصیانگرترند باید این امر موضعی و جزئی تلقی گردد و تعمیم داده نشود. در واقع، در قبال نفوذ جامعه کُل، برخی گروه‌های باز مانند خانواده‌ها،

کارخانه‌ها و کارگاه‌ها چه بسا عصیانگر و، در عوض، گروه‌های تقسیم مانند جِرَف، مشاغل، مصرف‌کنندگان طبقات متوسط (هنگامی که گروه را تشکیل می‌دهند) چه بسا فرمان‌بردار باشند. اما گروه‌های بسته عموماً بیشتر به مقاومت در برابر نفوذ جامعه کل گرایش دارند.

گروه‌های عصیانگر آنهایی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه در برابر نفوذ جامعه کل مقاومت بیشتری نشان می‌دهند از این نظر که احساس می‌کنند از سلسله‌مراتب گروه‌بندی‌ها اخراج یا از مرتبه‌ای که قبلاً احراز کرده‌اند محروم شده‌اند یا خود را لایق موقعیتی خاص تلقی می‌کنند و یا آنکه فرو ریختن ساختار جامعه کل یا تغییر آن را هدف خود تعیین کرده‌اند.

اقلیت‌های قومی دارای زبانی غیر از زبان آن جامعه کل که در آن ادغام شده‌اند، اقلیت‌های نژادی که خود را تحت فشار یا محروم از منزلتی احساس می‌کنند که به دیگر اتباع کشور داده شده است، و بی‌کارانی که نمی‌توانند کار پیدا کنند از گروه‌های عصیانگرند. البته مقاومت این گروه‌ها در برابر نفوذ جامعه کل به صورت‌های گوناگون و کاملاً نسبی است. نظام‌ها و گروه‌های مبتنی بر خویشاوندی، دوستی، موقعیت اقتصادی، مشاغل، جِرَف، اشتراک مذهب، و حتی احزاب سیاسی که قبلاً نقش مسلطی را در ساخت جامعه کل ایفا می‌کرده‌اند سپس آن را از دست داده‌اند و یا از نفوذ خود محروم گشته‌اند مانند زمین‌داران بزرگ پس از اصلاحات ارضی یا مردم سالارشدن رژیم از این زمره‌اند.

بخش مهمی از گروه‌ها بیش و کم نفوذ جامعه کل را پذیرا می‌شوند. گروه‌های خویشاوندی (خانوار، خانواده)، محلی، دولت، اقتصادی در اوضاع و احوال عادی، همچنین برخی گروه‌های مبتنی بر مناسبات برادرانه مانند جمعیت‌ها، گروه‌های سنتی به استثنای جوانان، برخی گروه‌های دارای فعالیت

غیرانتفاعی (احزاب سیاسی، منتخبان، انجمن‌های ورزشی)، برخی گروه‌های عقیدتی و روحانی و معنوی، در شرایط عادی، نمادها و آثار تمدنی و ضوابط سلسله‌مراتبی جامعه کل را می‌پذیرند ضمن آنکه ممکن است این پذیرفتاری گزینشی باشد یا باظرفی از حیث طرز عمل و رمزهای خاص خود و پیوند خوردن آنها به آثار جامعه کل قرین باشد یا حتی بابتی اعتنایی هم عنان باشد که در هر مورد باید جداگانه توصیف شوند.

در مقوله گروه‌هایی که کاملاً تابع نفوذ جامعه کل‌اند همه گروه‌هایی درج می‌شوند که هدفشان کاملاً فرهنگی است. از این قبیل‌اند انجمن‌های علمی، هنری، ادبی، تربیتی، پژوهشگاه‌ها، فرهنگستان‌ها، دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها، دانشسراها، مدارس روستایی، مدارس حرفه‌ای، بنیادها، مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی عمومی و خصوصی.

ک) به اعتبار درجه سازگاری - گروه‌ها از لحاظ درجه سازگاری به سازگار، نسبتاً سازگار، ناسازگار، و مانعة الجمع تقسیم می‌شوند.

میزان و درجه سازگاری و ناسازگاری گروه‌ها گهگاه از میزان نفوذ جامعه کل مستقل است. بدین قرار، گروه‌هایی که گرایش به پذیرفتاری کامل این نفوذ دارند، مانند دولت، یا این نفوذ را به میزان وسیع پذیرا می‌شوند، مانند خانواده و حزب سیاسی، ممکن است باگروه‌هایی از همین جنس ناسازگار باشند. به عکس گروه‌هایی که گرایش به عصیانگری دارند (اقلیت‌های نژادی، گروه‌های جوانان، و بی‌کاران) به هیچ وجه مانعة الجمع یعنی ناسازگار با تمامی انواع گروه‌ها نیستند. به این نکته نیز باید توجه داشت که افراد می‌توانند، در عین حال، عضو چند گروه باشند. ضمناً به لحاظ سازگاری و ناسازگاری، لازم است طبیعت گروه تصریح شود و سازگاری گروه‌های ناهمجنس با سازگاری گروه‌های همجنس خلط نگردد.

قسم اعظم گروه‌ها از مقوله‌های گوناگون با هر رژیم و هر نوع جامعه سازگارند. در جوامع باستانی، افراد در آن واحد عضو کلان (clan)، خانواده محصول زناشویی، فرقه جادویی، گروه سنی و جنسی، و غالباً خانواده پدرسالار، و خانوار بوده‌اند. در انواع این جوامع، افراد، بی‌کمترین مشکل، هم‌زمان، در خانواده، گروه‌های مبتنی بر مناسبات برادرانه، گروه‌های محلی و مبتنی بر فعالیت غیرانتفاعی، گروه‌های مذهبی و جز آنها شرکت می‌کنند. در نتیجه، مسئله اندازه سازگاری اساساً در مورد گروه‌های همجنس مطرح می‌شود. در واقع، تنها در موارد کاملاً استثنائی است که شرکت در یکی از گروه‌ها متضمن منع یا عدم امکان شرکت در گروهی از نوع دیگر است و این موارد استثنائی به گروه‌هایی مربوط است که مانعة الجمع خوانده می‌شوند.

گروه‌های همجنس - جمعیت‌ها؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هنگامی که تشکیل گروه می‌دهند؛ انجمن‌های علمی، هنری، ادبی، غیرانتفاعی، دانشگاهی؛ مؤسسات؛ انجمن‌های ورزشی؛ تعاونی‌ها؛ کلوب‌ها؛ شرکت‌های سهامی؛ بنگاه‌های صنعتی و تجاری؛ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها؛ مدارس؛ مؤسسات آموزش عالی و نظایر آنها - کاملاً با یکدیگر سازگارند و افراد معمولاً برای شرکت هم‌زمان در چندین گروه از این نوع مشکلی ندارند.

گروه‌های همجنس که نسبتاً، یعنی در برخی شرایط و به درجات گوناگون، با یکدیگر سازگارند رواج بسیار دارند. در برخی از آنها که اصولاً با یکدیگر ناسازگارند گهگاه عملاً سازگاری نسبی و موضعی وجود دارد.

در زمره گروه‌های دسته اول‌اند مشاغل، حرف، صنایع، گروه‌های متشکل از افراد هم‌تبار که چندین خانواده را پیوند می‌دهند، برخی از گروه‌های مبتنی بر روابط برادرانه (دوستان، گروه‌های بازی، اطفال)، انجمن‌های مدنی، برخی انجمن‌های مذهبی که، در آنها، عملاً هیچ امری مانع آن نیست که

شخص چندین شغل یا حرفه داشته باشد یا در ایام سال در مناطق متعدّد به سر برد هرچند گاه مستقیماً یا ضمنی موانعی پدید می‌آید.

در دسته دوم، گروه‌هایی همجنس هستند که ناسازگارند اما گهگاه سازگاری نسبی و موضعی پیدا می‌کنند مانند احزاب سیاسی به هنگام ائتلاف یا تشکیل جبهه.

گروه‌های سنی و جنسی اصولاً و ریشه‌ای باهم ناسازگارند. همچنین در فرقه‌های مذهبی و گروه‌های اقتصادی (بی‌کاران و قشرهای در سطوح معیشتی گوناگون) بیشترین ناسازگاری مشاهده می‌شود.

دسته‌ای از گروه‌ها هستند که ناسازگاری آنها کم و بیش نفی شدنی است. از آن جمله‌اند نظام‌های اقتصادی گوناگون، کشورها، خانواده‌ها، و احزاب سیاسی.

گروه‌های مانعة الجمع محدودند. یگانه مصداق آنها دولت‌های تمامیت‌خواه<sup>۴</sup> اند که تازه در مورد آنها نیز استثناهایی وجود دارد و عملاً نتوانسته‌اند این محدودیت را به تمامی تحمیل کنند و این ناکامی به خصوص درباره خانواده‌ها، گروه‌های سنی، گروه‌های ارتباطی و اقتصادی، اقلیت‌های قومی دیده می‌شود که برخی از آنها، هرچند ادغام شده‌اند، آثاری از جدایی را حفظ کرده‌اند.

ل) به اعتبار نوع اجبار - به این اعتبار، گروه‌ها به حامل اجبار مشروط و حامل اجبار نامشروط تقسیم می‌شوند این تقسیم با هیچ‌یک از تقسیم‌بندی‌های یادشده متناظر نیست. در نگاه اول، چه بسا به نظر آید که این تقسیم‌بندی با تقسیم‌بندی گروه‌ها به ارادی، تحمیلی، ورود مشروط، بسته، کم و بیش

4) totalitaire

سازگار، و مانعة‌الجمع ملازمه دارد. اما، چون نیک بنگریم، بلافاصله متوجه می‌شویم که ممکن است شخص به میل خود وارد درگروهی بشود سپس تابع اجبار نامشروط گردد (مثلاً در جمعیت جادوئی جامعه باستانی و در برخی از نظام‌های مذهبی در قرون وسطا)؛ همچنین ممکن است درگروهی تحمیلی وارد شود و تنها اجبار مشروط را بپذیرد.

علاوه بر این، در برخی از گروه‌های بسته، اجبار مشروط وجود دارد؛ مانند سازمان‌های صنفی در نیمه دوم قرون وسطا، سلسله‌های خاندانی، هم‌سوگندان، همچنین گروه‌هایی از قبیل طریقت‌ها و نظام‌ها. در نتیجه، تنها در گروه‌های مانعة‌الجمع است که همواره اجبار غیرمشروط وجود دارد.

در اینجا، باید معنی اجبار را روشن کرد. اجبار، در مفهومی که ما برای آن قایلیم، متضمن ضمانت اجرای حقوقی است. در این معنی، اجبار هم از انواع فشارهای دسته‌جمعی (فیزیکی، اخلاقی، اقتصادی) متمایز می‌گردد، هم از واکنش‌های جمعی منفی یا مثبت که خودجوش و غیرقابل پیش‌بینی است، و هم از ضمانت‌های اجتماعی گوناگون که حقوق را احاطه کرده‌اند. به همین دلیل، تمایز میان اجبار مشروط، که معاف شدن از آن یا خروج از گروه حامل آن ممکن است، و اجبار غیرمشروط، که این امکان در آن منتفی است، منحصرأً مربوط به تقابل میان انواع گروه‌هاست و می‌تواند ضابطه‌ای برای طبقه‌بندی آنها باشد.

در حال حاضر، وحدت بیشتر گروه‌های سازمان‌یافته یا نیافته قرین اجبار مشروط است و اعضای گروه می‌توانند کم و بیش آزادانه از آن خارج و از التزام به ضمانت اجراها فارغ شوند. مع‌ذک گروه‌هایی وجود دارند که خروج از آنها ممنوع است و اعضای آن به لحاظ حقوقی نمی‌توانند از ضمانت اجراهای تحمیل‌شده معاف گردند. اینها گروه‌هایی هستند که حامل اجبار



نامشروط‌اند. شدت ضمانت اجرا ربطی به مشروط و نامشروط بودن اجبار ندارد. در واقع، اجبار مشروط ممکن است شدید و خشونت‌آمیز - مثلاً مجازات بدنی و زندان در سازمان‌های صنفی قرون وسطایی، تحریم پیش‌بینی شده در اساسنامه جامعه ملل سابق - باشد. اما با ترک گروه می‌توان از تحمل این ضمانت اجراها معاف شد. در عوض، اجبارهای غیرمشروط ممکن است مانند جریمه‌های خفیف، پرداخت غرامت در دعاوی مدنی بسیار آرام و کاملاً جبرانی باشد اما معافیت از آنها به لحاظ حقوقی میسر نباشد چون در گروه‌هایی مقرر است که نمی‌توان از آنها خارج شد.

گروه‌های محلی، که بر اساس همسایگی استوارند، به اجبار غیرمشروط و گروه‌های اقتصادی یا غیرانتفاعی به اجبار مشروط‌گرایش دارند. در گروه‌های سازمان‌نیافته و باز، مانند گروه‌های ارتباط و گروه‌های اقتصادی، جز اجبار مشروط وجود ندارد.

گروه‌ها، سوای گروه محلی، می‌توانند گاه اجبار نامشروط مقرر سازند؛ چنان‌که امروزه، در خانواده، نه فقط خانواده وسیع بلکه خانواده محدود زن و شوهری، اجبار نامشروط در مورد فرزندان وجود دارد. گروه‌های اعتقادی و مشرب روحانی و معنوی نیز، در دوره‌هایی، شکل واحدی جمعی پیدا می‌کنند که، در آن، اجبار غیرمشروط حاکم است. سرانجام، گروه‌های اقتصادی می‌توانند گهگاه این نوع اجبار را مقرر سازند.

### ۳ ایران‌شناسی عمومی و ایران‌شناسی‌های اختصاصی

گروه‌ها و تقسیمات برشمرده آنها نمونه‌هایی از جماعات فعال در جامعه کل‌اند. همچنان‌که گفتیم، شمار آنها در جامعه کل، در دوره‌ای معین، ممکن است افزایش یا کاهش یابد. بررسی موردی درباره گروه‌ها و چگونگی تعامل

يا تقابل آنها با يكديگر و همپوشى آنها از مطالعات ايران‌شناختى در دوره‌اى معين است. ما چند بار از دوره معين ياد كرديم از آن رو كه گروه ثابت و بلا‌تغيير نمى‌ماند: در دوره‌اى فعال است و در دوره‌اى ديگر از فعاليت بازمى‌ماند و گروهى ديگر به جاي آن فعال مى‌گردد يا گروهى كه شمار اعضا در آن اهميت دارد بزرگ‌تر يا كوچك‌تر مى‌شود.

اكتون هنگام آن است كه به فهرست جامعه‌هاى اختصاصى در جامعه كل و شرحى کوتاه درباره آنها پردازيم. گروه‌هاى كه از آنها ياد شد در جامعه‌هاى اختصاصى فعاليت مى‌كنند. جامعه‌هاى اختصاصى هريك جلوه‌اى از جلوه‌هاى جامعه كل‌اند. در اين نوشتار فهرست آنها به ترتيب الفبائى مباحث ايران‌شناسى اختصاصى تدوين شده است. عناوين بدون در نظر گرفتن تقدم و تاخر و فصل‌بندي نهائى آنها ذكر شده است و بيشتر جنبه يادآورى دارد.

ابتدا، تحت عنوان ايران‌شناسى عمومى، بايد كليّاتى را درباره جامعه كل فهرست وار بازگويم. اين كليّات همه جامعه كل را در بر نمى‌گيرد زيرا اصولاً جامعه كل را نمى‌توان مرزبندي كرد و حدود و ثغورش را معين ساخت: هر لحظه به شكلى در مى‌آيد؛ در نتيجه، نمى‌توان در برهه‌اى از زمان، همه اطراف و جوانب آن را به معنای واقعى تحديد كرد. مع الوصف مى‌توان، با مشخصاتى، آن را، كه در مورد بحث ما ايران است، معرفى كرد.

### ۳-۱ ايران‌شناسى عمومى

شناخت جامعه كل به طور عام را تحت عنوان ايران‌شناسى عمومى مطرح مى‌كنيم. در ايران‌شناسى عمومى كليّاتى را درباره شئون گوناگون اجتماعى ايران مى‌توان فهرست كرد - كليّاتى درباره جغرافيا، تاريخ، تاريخ محلى، هنر، ادبيّات، اقتصاد، هيئت صورتى جامعه، جمعيت، شهرها و روستاها،

چگونگی فنون، تولید، کار و زندگی کارگری و اصناف، سیاست، احزاب سیاسی، شئون مدنی مانند حقوق، جرائم، زبان، گروه‌های سنی، فرهنگ و آداب و رسوم، و سرانجام مذهب که به هر کدام باید اشاره کرد. اما این امر مانع آن نیست که، در مطالعات موردی، به عنوان پژوهش یا تدوین رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری، ایران‌شناسی عمومی مقام و موقع شاخص و فراگیر خود را حفظ کند.

در بحث کنونی ما، جغرافیای امروز ایران در مد نظر است. اما، در بحث ایران‌شناسی عمومی، سراسر گذشته ایران را با همین سبک و سیاق می‌توان و باید مطرح کرد. آنچه در اینجا ذکر می‌شود ایران را در چشم‌انداز کلی قرار می‌دهد و به اجمال تمام می‌شناساند. ایران‌شناسی‌های اختصاصی، برای اختیار موضوع مطالعه، از این فهرست عمومی استفاده خواهند کرد.

در ایران‌شناسی عمومی، باید کلیه مدارک و اسناد و آمار و ارقامی که برای مطالعه در هر موضوع و بیان مطالب مورد نیاز است گردآوری شوند. بسیاری از این مدارک را می‌توان تهیه کرد. اما برخی از منابع اطلاعاتی که در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد محفوظ‌اند قابل انتقال نیستند. بنابراین، فهرستی از نام و نشان این مراکز و موضوع اسناد محفوظ در آنها باید تهیه شود و صاحب‌نظران در رشته‌های گوناگون شناخته شوند و برنامه‌های لازم تدوین گردد و، چنانچه بنا بر آن باشد که نظام اطلاع‌رسانی در اختیار داشته باشیم، هرچند ماه یک‌بار مطالب به‌روز شود.

بسیاری از رساله‌های کارشناسی ارشد و احتمالاً دکتری باید با توجه به این هدف طراحی شوند. علاوه بر این، شعبه‌های بنیاد می‌توانند گردآوری اطلاعات مربوط به محل خود را عهده‌دار شوند. نباید گمان کرد که این کار به آسانی و در کوتاه‌مدت عملی است. هنگامی که طرح آماده شد معلوم

می‌گردد که دامنه کار تا چه اندازه وسیع است و هر بخش آن را چند تن باید عهده‌دار شوند. اما، در فعالیت‌های پژوهشی، از روش واحدی که در طرح پیشنهاد خواهد شد و با توجه به عناوینی که در آن معین خواهد گردید باید پیروی و بدان عمل شود. برای هر بخش نقطه‌ای مرکزی باید معین گردد که دایره‌وار بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود تا تمامی محیط را دربرگیرد. تهیه آنچه جنبه مادی دارد به این صورت میسر است. اما آنچه جنبه نظری دارد، مانند بخش عمده‌ای از آداب و رسوم و عقاید و افکار، باید از طریق مطالعات میدانی از جمله گفت‌وگو و مصاحبه، البته براساس الگوی بیش و کم مشابه، فراهم آید؛ سپس، براساس فصل‌بندی مناسب، همه داده‌های گردآوری شده تنظیم و تبویب شود. نقشه و آمار و ارقام جزء لاینفک گزارش خواهد بود اما همه اینها باید معنی دار و به آسانی مفهوم باشد. در برخی موارد، ممکن است لازم باشد که متن مدارک فراهم شده پیوست شود. مرکزی که اصل مدارک در آن محفوظ است - کتابخانه، مدرسه، مسجد، و نظایر آنها - با نشانی دقیق باید معرفی شود تا هر پژوهشگری بتواند در صورت لزوم به آنها مراجعه کند.

دوره زمانی و محدوده مکانی موضوع مطالعه در عرصه ایران‌شناسی عمومی باید معین و معلوم باشد. مثلاً معلوم باشد که مربوط به دوره مشروطه یا برهه‌ای از آن است در تهران یا آذربایجان یا گیلان یا شیراز. پس از مشخص شدن زمان و مکان متعلق به موضوع مطالعه است که می‌توان به تهیه مدارک و عملیات میدانی پرداخت. هر یک از مباحث، اعم از آنچه کل یا بخشی از ایران را دربرگیرد، باید دارای طرحی مشخص باشد. در اینجا ما رئوس برخی از مباحث ایران‌شناسی عمومی را یادآور می‌شویم و تفصیل را به جاهایی حواله می‌دهیم که این مباحث را در آنها شرح و بسط داده‌ایم. از جمله مطالبی که در ایران‌شناسی عمومی باید بدان پرداخت شاکله کلی آن است.

این شاکله را می‌توان در مقاله‌هایی یافت که با عنوان «طرح ایجاد گنجینه ایران‌شناسی (طبیعت، تمدن و فرهنگ ایران)» و «دو طرح در زمینه بررسی مفاهیم و مصادیق فرهنگ و تمدن و آثار ایران» آمده است.<sup>۵</sup> محض نمونه چند عنوان مقاله اول به شرح زیر است:

#### طبیعت

طبیعت بی‌جان؛ نباتات؛ آبیان؛ حشرات؛ پرندگان؛ جانوران؛ چهارفصل.

#### فرهنگ

میراث فرهنگی؛ ابنیه مذهبی؛ شهر و شهرگیری و روستانشینی؛ گنجینه‌ها و موزه‌ها؛ هنرها و صنایع دستی؛ لباس‌های محلی؛ موسیقی؛ غذاها و تنقلات؛ ادیبان و شاعران و نویسندگان قدیم و جدید؛ خانه‌های قدیمی؛ کتاب و کتابخوانی؛ قلعه‌ها و برج‌ها و گنبدها و کاروانسراها؛ قبرستان‌های عمده تاریخی.

#### مردم

صورت و چهره مردم؛ زندگی با خانواده؛ کودکان و نوجوانان و جوانان در مدرسه؛ اجرای موسیقی سنتی و موسیقی‌دان‌ها؛ تئاتر، سینما؛ معلمان و استادان دانشگاه؛ تفریحات و ورزش؛ کار و کوشش؛ کارخانه‌ها؛ سدها و نیروگاه‌ها؛ نمایشگاه‌های عمومی و تخصصی؛ حضور مردم در اماکن مذهبی، تاریخی، فرهنگی و هنری؛ بازارها، خیابان‌ها؛ مراسم؛ هنرهای سنتی اقلیت‌ها؛ انقلاب و ایران امروز.

مسئله جمعیت را هم باید در ایران‌شناسی عمومی بررسی کرد و، در آن، علاوه بر آمار ولادت و وفات، مسئله تولید را، که با مسئله جمعیت ربط متقابل دارد، در نظر گرفت. عرف‌های گوناگون، از جمله سن ازدواج، دوره رضاع (شیردهی)،

۵) حبیبی، حسن، یک گام فراتر در برخی از حوزه‌های سیاست علمی کشور، انتشارات روزنامه اطلاعات، تهران ۱۳۸۵، ص ۲۴۹-۲۸۶.

شرایط بهداشتی و درمانی، بیماری‌های همه‌گیر، بحران غذایی، افت میزان مرگ و میر، امید به زندگی، اُفتِ میزان ولادت، پیر شدن جمعیت، و تأثیر اعتقادات مذهبی باید در این قسمت به‌دقت بررسی شود.

قصه‌ها و افسانه‌ها، آداب و رسوم در وجوه گوناگون زندگی و انعکاس آن در باورها، آیین‌ها، آداب و مراسم همسرگزینی، همیاری و همکاری اجتماعی در سطوح روستایی و عشایری و شهری و کلان‌شهرها، لهجه‌ها و گویش‌ها، کلیات مکتب‌های عمده در زمینه فرهنگ مردم، فهرستی از مراکز عمده فولکلورشناسی، انتشارات و صاحب‌نظران و فولکلور حقوقی باید مورد توجه قرار گیرند.

یادآوری می‌شود که فولکلور حقوقی به تفصیل در مقاله‌ای از راقم این سطور<sup>۶</sup> تشریح شده است سرفصل‌های عمده آن به شرح زیر است:

- |  |                           |
|--|---------------------------|
| کتاب اول - حقوق خانواده                      |                           |
| فصل اول - قرابت نسبی                         | فصل دوم - قرابت سببی      |
| کتاب دوم - حقوق اموال - مالکیت               |                           |
| کتاب سوم - حقوق قراردادی (تعهدات)            |                           |
| فصل اول - قرارداد به طور کلی                 | فصل دوم - قراردادهای معین |
| کتاب چهارم - حقوق جزا (ضمانت اجراهای مردمی). |                           |

### ۲-۳ ایران‌شناسی اقتصادی

در تقسیم اول، اقتصاد ایران را در هر دوره باید به اقتصاد درون‌گرا و اقتصادی که با جهان خارج ارتباط برقرار کرده است تقسیم کرد. در تقسیم دیگر، اقتصاد تک‌محصولی را که وابستگی تام و تمام به نفت دارد و اقتصادی را که در آن تنوع دیده می‌شود باید مورد توجه قرار داد.

(۶) حبیبی، حسن، در آئینه حقوق، فولکلور حقوقی، انتشارات کیهان، تهران ۱۳۶۷، ص ۳۰۸-۳۴۷.

### ذیل این عنوان فقرات زیر قرار می‌گیرند:

- مسائل عمده پولی و بانکی، تأسیس بانک، حضور بانک‌های خارجی و نمایندگی‌های خارج، فعالیت بانک‌ها به طور مجزا، نقش بازار و انتقال قسمتی از این نقش به بیرون از آن، طرف‌های خارجی معاملات ایران و نوع معاملات؛
- افکار و آراء اقتصادی، مجلات و کتاب‌های اقتصادی؛ نقش اقتصاد در توسعه کشور، انحصار، نقش دولت، بازرگانی خارجی، برنامه اقتصادی، تأسیس سازمان برنامه، اصول قانون اساسی ۱۳۵۹ و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد پیشه‌وری، اقتصاد بازار، ارتباط اقتصاد سنتی و جدید، ارتباط مکاسب شرعی و اقتصاد؛
- نقش و سهم علوم جدید در فرایند صنعتی شدن؛ تحولات اقتصادی ناشی از ورود صنایع خارجی و نفوذ کشورهای صنعتی در بازار ایران؛
- بررسی اجمالی تاریخ اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب، نظام‌های اقتصادی ایران در دوران صفویه و زندیه و قاجاریه، روابط بازرگانی ایران با کشورهای خارجی قبل و بعد از انقلاب، تأثیر اوضاع طبیعی و جغرافیایی بر تحولات اقتصادی ایران، جمعیت و نیروی انسانی، و تأثیر آن بر اقتصاد کشور؛
- اشتغال بر حسب فعالیت‌های عمده اقتصادی در بخش‌های کشاورزی و صنعتی و خدماتی، سامانه پولی و بانکی، بودجه، درآمد ملی و برنامه‌های عمرانی، اهمیت و موقعیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران، زراعت، دامپروری، جنگل‌داری، ماهیگیری؛
- روابط مالکیت و تأثیر آنها بر اقتصاد، صنایع دستی و نقش صنعت دستی در اقتصاد ایران، صنعت نفت و گاز و نقش آن در اقتصاد ایران، حمل و نقل و ارتباطات.

### ۳-۳ ایران‌شناسی باستان‌شناختی

آشنایی با قلمرو فرهنگی ایران از منظر باستان‌شناسی از دوران پیش از تاریخ تا به امروز؛ آشنایی با مناطق و محوطه‌های باستانی و بررسی نتایج و دستاوردهای مطالعات باستان‌شناسی و کاستی‌های مطالعات با توجه

به ارتباط عمیق ادوار تاریخی ایران بایکدیگر؛ و شناخت وجوه اشتراک و افتراق دوره‌ها از نظر باستان‌شناسی را از جمله هدف‌های تحقیقات ایران‌شناسی در حوزه باستان‌شناسی می‌توان شمرد.

مباحث ذیل این عنوان به شرح زیر پیش‌بینی می‌شود:

بررسی نظریه‌ها و روش‌های مطالعاتی باستان‌شناسی؛ گاه‌نگاری و ادوار روند تحوّل دوران‌ها؛ فهرست ادوار باستان‌شناسی تاریخی ایران بزرگ و حدود و ثغور تاریخی و جغرافیائی آن؛ امکان‌ها و محوطه‌های باستان‌شناختی و تاریخی؛ قلمرو مطالعات؛ آثار هر دوره (مجسمه‌ها، نقش‌برجسته‌ها، سکه‌ها، منسوجات، سفال، نقاشی، شهرسازی، معماری از جمله معابد و ساختمان‌های رسمی و غیررسمی)، آداب و رسوم، خط، دین، عناصر عمده در اثرگذاری و اثرپذیری در هر یک از دوره‌های تاریخی در تعامل تمدن و فرهنگ، فهرست یافته‌های باستان‌شناختی به عنوان مدارک و اسناد مربوط به امور اقتصادی و اجتماعی و روابط سیاسی داخلی و خارجی؛ دستاوردهای باستان‌شناسی در قلمرو مطالعات دوره‌های تاریخی از تمدن ایلام تا پایان عصر ساسانی و چند قرن اول عصر اسلامی (دوره‌های ایلامی، مادی، هخامنشی، اشکانی با یادآوری دوره سلوکی‌ها، ساسانی، چند قرن پس از ظهور اسلام)؛ آشنایی با اماکن دوره مورد مطالعه و تأثیر فرهنگ و تمدن هر دوره بر دوره بعد؛ تداوم و انقطاع، وجوه افتراق و اشتراک.

تأثیر میراث دوران پیش از اسلام بر هنر و معماری عصر اسلامی از مرز چین و ماوراءالنهر تا بین‌النهرین و ساحل نیل؛ قلمرو مطالعات عصر اسلامی در حوزه‌های معماری، حجاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، موزائیک‌سازی، شیشه‌سازی، نقاشی، خط، کتاب‌آرایی، نساجی، فلزکاری، آداب و رسوم.

#### ۳-۴ ایران‌شناسی تاریخی براساس روایات ملی و اسطوره‌ها

نظر به اینکه بخش عمده‌ای از تاریخ کهن مکتوب ایران از شایبه‌ها و اغراض نویسندگان غیر ایرانی خالی نمانده، نیز در جای‌جای این تاریخ خلأها



و کمبودهای فراوانی وجود دارد، همچنین بخشی از اطلاعات تاریخی مربوط به عصر اسلامی در نوشته‌هایی درج شده که عنوان تخصصی تاریخ ندارند و بخش عمده‌ای از آنها، با توجه به علاقه ایرانیان به روایت شفاهی، مکتوب نشده است، بهره‌گیری از روایات ملی برای تدوین تاریخ ایران و مطالعه انتقادی آن ضرورت دارد.

مباحث ذیل این عنوان به شرح زیر پیش‌بینی می‌شود:

تعریف روایات ملی و اهمیت آنها در شناسایی تاریخ ایران پیش از عصر اسلامی، نقش منقولات در شناخت تاریخ ایران در عصر اسلامی تا زمان حاضر؛ چگونگی تدوین این روایات و شناسایی انتقادی آنها؛ رابطه روایات با یکدیگر و تنظیم زنجیره روایی متصاعد و متنازل، آشنایی با راویان و ارزیابی روایات آنها؛ مفهوم ایران از دیدگاه روایات ملی؛ وجوه اشتراک و افتراق روایات ملی و اساطیری ایران با اقوام مجاور آن و جهان ایرانی قدیم؛ میزان مطابقت روایات ملی با تاریخ مکتوب و مدون ایران.

رویدادهایی منعکس در روایات ملی که تاریخ مکتوب درباره آنها ساکت است و علت این سکوت؛ جغرافیای ایران در روایات ملی؛ رابطه متون ادبی مهم فارسی متعلق به عصر اسلامی مانند شاهنامه، گرشاسب‌نامه، و داستان‌های نظامی با روایات ملی، اسناد مهم دوران پیش از اسلام مانند دینکرد، بندهش و کتاب‌های مهم فارسی حاوی روایات ملی علاوه بر شاهنامه، از قبیل اسکندرنامه، بهمن‌نامه، داراب‌نامه.

شخصیت‌های اساطیری و قهرمانان و پهلوانان ملی در روایات ایرانی؛ تعریف اسطوره، واژه اسطوره و سابقه آن؛ ویژگی‌های اسطوره و ماهیت آن؛ خاستگاه اسطوره، پیدایش اسطوره، معادل‌های مفهومی و مصداقی اسطوره در مطالعات اسطوره‌شناسی؛ آیا اسطوره خاص دوره‌های پیش از تاریخ و سرآغاز تاریخ است یا می‌توان از اسطوره‌های نوین و به طور کلی اسطوره عصری سخن گفت.

### ۳-۵ ايران‌شناسى تاريخى

مباحث ذيل اين عنوان به شرح زير است:

بررسى جغرافياى فلات ايران و موقعيت طبيعى آن در مقايسه با بين‌النهرين و آسياب صغير؛ كيفيت مهاجرت و اسكان اقوام در فلات ايران تا هزاره دوم پيش از ميلاد؛ بررسى مراکز تمدنى فلات ايران تا هزاره دوم پيش از ميلاد شامل تمدن‌هاى سيلك و شهر سوخته، مارليک و جز آنها؛ كيفيت مهاجرت آريائى‌هاى اوليه به ايران و بررسى دلايل و چگونگى مهاجرت به فلات ايران؛ نخستين نشانه‌هاى نام ايران در متون اوستايى و پهلوى، مفهوم «ايران» در ذهنيت تاريخى آريائى‌ها و بررسى سير تطور آن از دوره مادها تا عصر اسلامى، نحوه شكل‌گيرى مفهوم «قوم ايرانى» در متون اساطيرى و تاريخى پيش از اسلام؛ مطالعه تيره‌هاى قوم ايرانى در دوره مادها، هخامنشيان، اشكانيان و ساسانيان؛ مفهوم قوم ايرانى از ديده‌گاه مورخان يونانى و رومى؛ مهم‌ترين ويژگى‌هاى فرهنگى قوم ايرانى در متون اساطيرى و تاريخى؛ سير تطور زبان فارسى در دوران پيش از اسلام و ميزان تأثير آن در همبستگى قوم ايرانى؛ اعتقاد دينى در ايران باستان، بررسى سير تاريخى تحولات مذهبى ايران باستان؛ بررسى روابط سياسى و فرهنگى ايران و يونان باستان، ايران و روم، ايران و تمدن‌هاى بين‌النهرين، ايران و هند؛ چگونگى تشكيل حكومت و ساختار آن در دوران قبل از مادها و مادها و هخامنشيان و سلوكيان و اشكانيان و ساسانيان و جوه افتراق و جوه اشتراك آنها؛ گروه‌هاى اجتماعى در اين دوره‌ها، علل ايجاد و سقوط هر يك از حكومت‌ها؛ دستاوردهاى هر دوره؛ چرا از اشكانيان كمتر سخن گفته‌اند؛ ميراث به جا مانده از ايران پيش از اسلام در عصر اسلامى.

### ۳-۶ ايران‌شناسى جغرافياى و جغرافياى محلى

مباحث ذيل اين عنوان به شرح زير پيش‌بينى مى‌شود:

طبيعت و اقليم ايران، منطقه‌بندى جغرافياى ايران؛ عرصه‌هاى طبيعى، تاريخى، يادمانى، جهانگردى، زيارتى، فرهنگى، اقتصادى، ورزشى، تفریحى ايران و

عوامل مؤثر در آن؛ قطب‌های مهم جغرافیائی ایران؛ مفهوم جغرافیائی محیط‌ها و جاذبه‌های طبیعی آنها؛ محیط‌های زندگی (طبیعی و مصنوعی)؛ قلمرو جغرافیائی ایران و تحولات آن؛ شناخت ایران به لحاظ موقعیت جغرافیائی و ارتباط با عوارض طبیعی؛ مفهوم جغرافیای تاریخی؛ مشخصات مشترک جغرافیای شهری و روستائی ایران در طول تاریخ با توجه به تحولات اقلیمی و جابه‌جائی شهرها و روستاها؛ دوره‌بندی تاریخی مناطق عمده (ایالات و ولایات) و شهرهای ایران؛ نخستین ایالات و شهرها در تاریخ ایران و تغییر مکان آنها؛ موقعیت جغرافیائی مناطق و شهرهای عمده در ادوار گوناگون (راه‌های دسترسی، وضعیت طبیعی، سیر تاریخی تحول جاژه ابریشم و ایستگاه‌های مهم ایرانی آن)؛ دوره‌های مهم شهرسازی در ایران و تأثیر آن بر موقعیت جغرافیائی سیاسی ایران.

علل و عوامل طبیعی و سیاسی اجتماعی ایجاد، توسعه، و ویرانی شهرها، نتایج حاصل از ترسالی و خشکسالی؛ حوادث طبیعی (سیل و زلزله و نظایر آنها) و فاجعه‌های تاریخی (جنگ‌ها، اختلافات محلی و داخلی، قحطی‌ها، بیماری‌ها)؛ ساختار و نقشه شهرها در هر دوره؛ بررسی مفاهیم متعلق به شهرنشینی (کوره، رستاق، ده، قریه، شهر، آبادی...)؛ نام شهرها و تغییر نام آنها در دوره‌های گوناگون و دلایل آن؛ نقش جامع و مسجد و مدارس در توسعه شهری ایران اسلامی؛ بازار در تمدن ایرانی و نقش آن در ساختار شهری؛ جابه‌جائی محل استقرار شهرها و علل و عوامل آن؛ نام‌های تاریخی (شهرها، روستاها، محله‌ها، بازار، دروازه‌ها)؛ زیربناها و ابنیه مهم (سدها، راه‌ها، استحکامات دفاعی)، ارتباط آنها با موقعیت تاریخی؛ علل و عوامل تغییر مرکز حکومت در ادوار گوناگون؛ اساطیر و موقعیت جغرافیائی شهرها و بنای آنها در طول تاریخ؛ بانی شهرها؛ علل ویرانی شهرها (ترکیب جمعیت، جابه‌جائی جمعیت تیره‌ها و طوایف، مناطق تاریخی که حوادث مهم مانند جنگ‌ها، اجتماعات خاص و نظایر آنها در آن اتفاق افتاده است؛ سرزمین‌های غربی ایران در عصر اسلامی، سرزمین‌های شرقی ایران در ادوار گوناگون (مرو، دشت مغان، سیستان، نیشابور...)).

۳-۷ ايران‌شناسي در حوزه‌ها و مکتب‌هاي گوناگون غربي و شرقي

با توجه به تنوع قلمروها، روش‌هاي مطالعات و تحقيقات و تعدد خاورشناسان کشورها همچنين تاريخ نسبتاً طولاني اين رشته در کشورها، آشنائي با هر يك از آنها و دسته‌بندي و طبقه‌بندي آنها به لحاظ قلمرو، روش، ميزان و تنوع اطلاعاتِ گردآوری شده لازم و مفيد است.

برخي از عناوين تحقيق به شرح زير پيشنهاد مي‌شوند:

تاريخچه شرق‌شناسي و ايران‌شناسي، وجوه اشتراك و افتراق؛ جاگاه مطالعات شرق‌شناسي حاوي ايران‌شناسي و نيز ايران‌شناسي مستقل در مجموعه مطالعات و تحقيقات دانشگاهي و مؤسسات پژوهشي کشورها؛ مکتب‌هاي عمده ايران‌شناسي در هر کشور، مشخصات، وجوه افتراق و اشتراك؛ قلمرو عمده تحقيقات ايران‌شناسي و روش کار در هر يك از مکتب‌ها؛ منابع مورد استفاده، ميزان بهره‌گيري از زبان فارسي؛ شرح حال علمي پايه‌گذاران مؤسسه يا مکتب همچنين شرح حال هر يك از محققان؛ معرفي انتشارات (کتاب، مجله)، عناوين آثار مهم و محتوای آنها؛ تأثير هر مکتب در مکاتب ديگر ايران‌شناسي؛ جمع‌بندي و ارزيابي.

۳-۸ ايران‌شناسي روستائي

جغرافيا، که، در آن، روابط انساني و محيط طبيعي و توزيع فضائي پديدارهاي انساني بررسي و تحليل مي‌شود، به مسئله روستا نيز توجه دارد. اقتصاد روستائي رشته‌اي از اقتصاد است و تاريخ اجتماعي به گذشته روستا مي‌پردازد که، در آن، کشاورزي بزرگ‌ترين بخش فعاليت روستائيان بوده است و گستره وسيعي از زندگي روستائي در چارچوب آن توصيف مي‌شود.

در انسان‌شناسی، ساخت باستانی روستا بررسی می‌شود. روان‌شناسی و جمعیت‌شناسی نیز به شهری و روستایی، می‌پردازند. روستائیان در محیطی خاص زندگی می‌کنند. ارزش‌های معتبر نزد آنان و تفسیر اطلاعات از دیدگاه خاص به جامعه روستایی، در قبال جامعه کل، نوعی استقلال می‌بخشد. از این رو، باید آن را به عنوان واحدی کل مطالعه کرد نه با فروکاست به گروه خاص شغلی یا بخش اقتصادی یا طبقه اجتماعی. باید، در چارچوب روش عمومی، به تک‌نگاری روستا پرداخت و روستایی را با دریافتی که از روستای خود دارد فهم کرد. تاریخ روستا نیز دارای اهمیت خاص است.

روستا وابستگی شدید روستایی را به زمینی که بر روی آن کار می‌کند به وی تحمیل می‌کند. باید میزان این تحمیل را برای روستایی و خانواده‌اش تحلیل و بیان کرد. شهری و روستایی خوش‌نشین چنین موقعیتی ندارند. باید معلوم گردد که در دوره‌های گذشته رعیت بی‌داشتیم یا نه.

#### از جمله دیگر مباحث ذیل این عنوان‌اند:

جمعیت، خاک، آب و نوع آبرسانی، عرف کشاورزی و مسائلی از این قبیل؛ چگونگی ارتباط هر روستا با روستاهای نزدیک و دور؛ این‌که روستا خودکفاست و با محصولات خود اداره می‌شود یا از شهر نیز کمک می‌گیرد و اندازه این کمک چیست؛ موقعیت جوانان، میان‌سالان و پیران و وظایف هر کدام در پاسداری از عرف و عادت و دیگر مسائل مرتبط با فرهنگ عامه، موقعیت و کار زنان در روستا؛ اعیان‌ده و خان‌ها که مستقیم یا غیرمستقیم از زمین ارتزاق می‌کنند؛ چگونگی مهاجرت به شهرهای کوچک یا بزرگ و نوع مهاجران؛ چگونگی حفظ یا قطع ارتباط اهل روستا با روستا؛ نوع ازدواج (درون‌روستایی، برون‌روستایی، زمان و دلایل و شرایط آن)؛ دریافت روستایی از شهر، حکومت، حقوق قانونی خود، و نقش رسانه‌ها.

### ۳-۹ ایران‌شناسی سیاسی

مباحث پیشنهادی ذیل این عنوان به شرح زیر است:

توصیف رژیم‌های سیاسی ایران در دو‌یست سال اخیر؛ اوضاع اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و مرامی، جغرافیائی (گستره کشور)؛ آزادی‌ها؛ نقش مردم؛ احزاب سیاسی، حزب در ایران، احزاب دوره مشروطیت، اختلافات مبنائی احزاب، تقلید از خارج، ساخت احزاب، احزاب مردمی، تکثر احزاب، حزب واحد، حزب مسلط؛ انتخابات نمایندگان مجلس، ریاست جمهوری، تحولات در قوانین انتخاباتی و اجرای آنها (اوایل مشروطه، دوره‌های بعدی، پس از انقلاب اسلامی)، تأثیر و نقش مذهب در هر دوره، شرح حال کوتاه نمایندگان ادوار، نمایندگان مشهور و تأثیرگذار؛ کارنامه دوره‌های مجلس حاوی تصمیمات در جهت مصالح و منافع کشور یا به ضرر آن (کاپیتولاسیون)؛ نقش احزاب در مجلس؛ موارد مخالفت‌های جدی مجلس با حکومت.

شرایط سیاسی ایران قبل و بعد از مشروطیت؛ وضعیت سیاسی ایران بعد از فتح تهران و افتتاح مجلس دوم؛ علل و نتایج اولتیماتوم ۱۹۱۱؛ جنگ جهانی اول و اهمیت ایران در سیاست بین‌المللی؛ سیاست بی‌طرفی و قرارداد ۱۹۱۵ و تأثیر آن در روابط سیاسی ایران با کشورهای روس و انگلیس؛ تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ به دولت ایران؛ علل و نتایج کودتای ۱۲۹۹؛ کابینه سیاه و قرارداد ۱۹۲۱؛ نقش ایران در جنگ جهانی دوم؛ کنفرانس تهران و نتایج آن؛ تعاملات و تقابل‌های فرهنگی و سیاسی ایران و خارجی‌ان (کشورهای اسلامی و دیگر کشورها) در دوره‌های گوناگون.

### ۳-۱۰ ایران‌شناسی شهری

در ایران‌شناسی شهری، شهر به عنوان مبدأ حرکت در طول تاریخ تلقی می‌شود. شهر بستر پیدایش مفهوم کشور به طور عام و در خصوص ایران است. روستاها، از راه وابستگی و پیوستگی به شهر، خود به خود و آرام آرام

در کشور جای می‌گیرند و این هر دو جغرافیائی را تشکیل می‌دهند که ایران در قالب آن قرار دارد.

توصیف شهر در ایران‌شناسی نمودار تأثیری می‌گردد که این واحد جغرافیائی با مقتضیات و لوازم خود بر مفهوم ایران و شکل‌گیری مفهوم جغرافیائی آن دارد. در ایران‌شناسی شهری این مسئله بررسی می‌شود که شهروند و اهل شهر یا رعایا چگونه ایران را می‌سازند و ایران چه توقعاتی از آنان دارد.

در مطالعه مربوط به شهر، مسئله ظهور شهر در دوره‌های حیات ایران ضرورت دارد و شارستان و شهر و ایران‌شهر و ایران‌ویج در این بررسی معنی واقعی خود را به دست خواهد آورد.

شکل‌گیری شهرهای مهم ایران موضوع دیگری است که ایران‌شناسی شهری باید بدان پردازد. توسعه سریع شهری مانند تهران در یکی دو قرن اخیر و نوع شهرهایی مانند بندرعباس در یک دوره کوتاه و یا وجود زیارتگاه‌های مهم که شهر را دگرگونه ساخته‌اند از مسائل محوری مطالعه ایران‌شناسی شهری خواهند بود. برای مثال، شهر تهران، با داشتن جمعیتی متعادل بر اساس ولادت و وفات حتی پس از یک دوره به نسبت طولانی در ابتدای پایتخت شدن آن، ناگهان، با مهاجرت‌های نظرگیر، خصایص تازه‌ای پیدا می‌کند و مشاغل جدیدی در آن به وجود می‌آید و بومی بودن شهر را به هم می‌ریزد و رفتارها را دگرگون می‌سازد. باید دید این تغییرات در شکل و شمایل شهر، نیز در برآورد نیازها تا چه اندازه تأثیر داشته است.

همچنین تفاوت‌ها در شهرهای با تاریخ یکسان یا متفاوت، از یک سو، و همسانی‌ها در آنها، از سوی دیگر، از مسائل مهم و قابل مطالعه‌اند. نوع خدمت‌رسانی‌ها و مقدار خدمات و مفهوم شهر و شهرداری نیز از موضوعات

درخور تأمل است. تاريخچه شهرها نيز حايض اهميت است. اين مسئله نيز درخور مطالعه است كه وجود ساختمان‌ها يا خدمات خاص در ناحيه‌اى معين به توسعه شهر در آن ناحيه كمك كرده است يا نه.

علاوه بر چند موضوع اصلى و كليدى، لازم است تكانگارى‌هاى در خصوص شهر پديد آيد. البته نگارش اين تكانگارى‌ها و مطالعه در مباحث اصلى مربوط به شهر، نه يك جا بلكه شهر به شهر، بايد انجام گيرد. در نتيجه، نخست بايد، از فهرست طولانى، شهرهاى انتخاب شوند كه حداقل نزديك به صد سال سابقه داشته باشند نه آنكه تنها به جهت جمعيت اين عنوان را يافته باشند. درباره شهرهاى انتخاب شده بايد شئون گوناگون آنها بررسى شوند. بازارها، مساجد، امامزاده‌ها، مدارس، باغ‌ها، وسايل رفاهى، آب و برق و تلفن، وسايل حمل و نقل، ارتباط با شهرهاى ديگر، مشاغل، مشاغل فراموش شده نيز در حوزه مطالعاتى اين مقوله خواهند بود.

### ۳-۱۱ ايران‌شناسى صنعتى

نخست بايد فهرستى از صنايع ماشينى دركنار صنايع دستى سنتى پديد آورد. سپس، از هر دو فهرست، شمار درخور توجهى را استخراج و مطالعه كرد. برخى صنايع مانند نفت، صرف نظر از محل آنها، يكجا بايد بررسى شوند. برخى صنايع مانند نساجى كه با شرايط جغرافيايى ارتباط دارند بايد با توجه به اين شرايط مطالعه شوند.

در اين مقوله، اطلاعاتى به شرح زير بايد به دست داده شود:

تاريخ صنعت؛ صنعتى شدن ايران به استثنای صنايع نظامى؛ نخستين صنايع؛ روند توسعه صنعتى؛ نخستين صنعتگران؛ آيا صنعتى شدن ايران را بايد دنباله و پيوسته به رشد جمعيت و شهريگري و توسعه اقتصاد بازارديد يا آن را بيش و كم بدون رابطه تنگاتنگ با آنها در نظر گرفت؛ اين مسئله بايد به دقت بررسى شود كه



نقش ورود فنون از جهان غرب بدون داشتن زیربناهای علمی و فنی تا چه اندازه مؤثر بوده است.

شروع تقسیمات صنعتی و شکل‌گیری صنایع گوناگون؛ پیدایش تخصص‌ها، کارگاه، کارخانه، مدیران، کارگران، دولت؛ قانون کار؛ اتحادیه‌های کارگری؛ فهرست صنایع؛ صنایع اصلی؛ صنایع مونتاژ؛ کارآموزی؛ نقش صنعت خارجی؛ اوقات فراغت کارگران.

### ۳-۱۲ ایران‌شناسی در زمینه فرهنگ مردم و آداب و رسوم

مباحث ذیل این عنوان به شرح زیر پیش‌بینی می‌شوند:

فرهنگ و تعریف‌های عمده آن؛ سنت و نسبت آن با فرهنگ؛ خصوصیات فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی؛ تحوّل فرهنگ؛ فرهنگ‌پذیری؛ فرهنگ‌زدایی؛ فرهنگ‌زدگی؛ فرهنگ و تمدن؛ فرهنگ روستایی، عشایری، شهری؛ فرهنگ کلان‌شهرها؛ فرهنگ معیار و فرهنگ عامه؛ فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم در دوره پیش از ارتباطات سریع و همگانی و در زمان حاضر، وجوه افتراق و اشتراک؛ آیا در عصر ارتباطات سریع در مقیاس ملی و بین‌المللی و حضور فعال رسانه‌ها از فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم و به ویژه فرهنگ محلی می‌توان سخن گفت؟ حضور فرهنگ در جامعه صنعتی، نیمه‌صنعتی یا شبه‌صنعتی؛ دگرگونی فرهنگ در طول تاریخ حیات قوم؛ عناصر ثابت و متغیّر فرهنگ؛ فرهنگ و رابطه آن با طبیعت، انسان، ماورای طبیعت؛ فرهنگ و اخلاق و معنویت؛ لزوم گردآوری اطلاعات شفاهی مربوط به فرهنگ مردم و مباحث عمده نظیر آن (وقایع و رخدادهای روزمره و تاریخی، خاطرات، شرح حال‌ها و نظایر آنها)، ترانه‌ها و مَثَل‌ها.

### ۳-۱۳ ایران‌شناسی در زمینه مطالعات گویش‌شناختی

چندین ده سال است که محققان ایرانی نسبت به گردآوری و تحلیل گویش‌های ایران اظهار علاقه می‌کنند و از کوشش نیز دست برنمی‌دارند.

ایران‌شناسان خارجی نیز به این رشته از جهات گوناگون توجه دارند. در چند دهه قبل، حتی بحث درباره تهبیه اطللس کامل گویش‌شناسی دریکی از جلسات مربوط به تحقیقات ایرانی مطرح شد. فرهنگستان‌های دوم و سوم نیز برای این امر برنامه و گروه تحقیق داشتند و دارند. شمار درخور توجهی جزوه و کتاب و رساله دانشگاهی نیز درباره گویش‌های گوناگون ایران چاپ و منتشر شده است. اما هیچ‌کدام از برنامه‌ها، به نظر ما نظام‌یافته طراحی نشده و هنوز مسئولان علمی از دل و جان نپذیرفته‌اند که این کار پر دامنه را نمی‌توان به صورت مقطعی و موردی انجام داد و به امید ایران‌شناسان خارجی هم نمی‌توان نشست؛ زیرا به سرانجام رساندن کار گسترده گویش‌شناسی از راه دور یا سفر چند هفته‌ای عملی و علمی نیست و آن حتی کار یک سال و دو سال و یک یا چند تن نیست. راقم این سطور طرحی درباره مطالعه فراگیر گویش‌های ایران تهیه کرده است که هم برای تأمین بودجه آن شورای عالی انقلاب فرهنگی را به یاری طلبیده و هم موضوع را به تفصیل در هفتمین همایش زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، در تاریخ بیستم آذر ماه ۱۳۸۶، مطرح کرده است.<sup>۷</sup>

به تعویق انداختن کار تاکنون موجب شده است که چندین گویش، با درگذشت آخرین گویشور، مدفون گردد و بخش درخور توجهی از گویش‌های دیگر، با سپری شدن عمر نسل حافظ آنها، فراموش یا با زبان معیار و گویش‌های دیگر آمیخته شود. راهکار، به نظر راقم این سطور، مدد خواستن از استادان فرهیخته گویشور و دانشگاه‌های سراسر کشور و دانشجویان محلی و نظارت مستمر و متمرکز بر عملیات پژوهشی همراه

(۷) متن این سخنرانی در نامه انجمن (فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)، سال ۷ (زمستان ۱۳۸۶)، شماره ۴ (پیاپی ۲۸)، ص ۵-۱۶، چاپ و منتشر شده است.

با تأمین بودجه است که، به این ترتیب، هزینه گزافی هم طلب نخواهد کرد. راه‌های دیگر جنبه شخصی و سلیقه‌ای دارد و به جایی نخواهد رسید. کار متمرکز نیز مدیر هماهنگ‌کننده دلسوز و علاقه‌مند می‌خواهد. در هر حال، اگر اصل کار پذیرفته شود، راه‌اندازی آن چندان دشوار نخواهد بود.

#### ۳-۱۴ ایران‌شناسی در زمینه‌های دیگر

علاوه بر عناوین مباحث مذکور، عناوین مهم دیگری نیز در بحث‌های ایران‌شناختی باید مورد توجه قرار گیرند که، برای پرهیز از اطاله کلام، بهتر است در مقاله دیگری بدان‌ها پرداخته شود. برخی از آنها که بیشترشان ذیل عنوان آثار تمدنی دسته‌بندی می‌شوند به شرح زیرند:

ایران‌شناسی مسائل آئینی؛ ایران‌شناسی ملل و نحل؛ ایران‌شناسی معرفتی؛  
ایران‌شناسی اخلاقی؛ ایران‌شناسی حقوقی؛ ایران‌شناسی جنایی؛ ایران‌شناسی  
هنر؛ ایران‌شناسی ادبیات و زبان؛ ایران‌شناسی و ادبیات داستانی؛ ایران‌شناسی  
کودکان و نوجوانان؛ ایران‌شناسی و تعامل و تقابل فرهنگی.

آذرماه ۱۳۸۸



# **A Tentative Plan for Systematic Iranian Studies**

H. Habibi Ph.D.

**Supplement No. 41**  
Nāme-ye Farhangestān

Tehran 2010